

مراسم بزرگداشت سیمین دانشور در باغ کتاب تهران

مراسم بزرگداشت سیمین دانشور در باغ کتاب تهران برگزار می‌شود.

به گزارش بانی فیلم، مراسم بزرگداشت سیمین دانشور با یادی از زنده یاد جلال آل احمد شنبه ۱۸ اسفند ۹۷در باغ کتاب تهران واقع در بزرگراه خانی(غرب)به شرق)، بلوار کتابخانه ملی، سالن نمایش امیرکزازی می شود.

سخنرانان این مراسم که به همت انجمن دوستداران سیمین و جلال برگزار می شود،به ترتیب سیدحاج غلامحسین بنان، سیمین پناهی فرد، مجتبی گلستانی، سیمین یابوری ، حضور برای کلیه علاقه مندان در این مراسم آزاد است.

نکوداشت استاد غلامحسین بنان

علی شیرازی‌مدیر برنامه آیین آواز،امروز در فرهنگسرای اسپران‌بان از یکی خوانندگان صاحب سبک موسیقی،که ناب‌ترین تصانیف موسیقی را به‌خیرصدایش جاودانی کرده است،برگزار می کند.او کردها ششان «آواهای غلامحسین بنان،فسارغ از تصانیف و ترانه‌های سحرآمیزی که اجرا کرده است،مخصوصا سرود ای ایران،چنین می گوید:

استاد زنده‌یاد غلامحسین بنان در زمان حضور و هنرمندی‌اش بر صحنهٔ موسیقی و آواز ایرانی به خوبی و زیبایی توانست آواز ملی ما را به دو دورهٔ قبل و بعد از خودش تقسیم کند. این اتفاق چگونه افتاد و اصلاً چگونه یک هنرمند در عرصهٔ هر هنری می‌تواند به قدری اثرگذار باشد که چنین کند؟

نخستین نکته‌ای که بنان از همان سال‌های جوانی در نظر گرفت و برایش اهمیت شایانی داشت به‌هم‌آمیزی هنر آواز با ضرورت‌ها، نیازها معیارهای آن روزگار که وقتی خوانندگان و معین‌الکلیاتش گاهی روی صفت نخستین صفحهٔ موسیقی در ایران، تا پیش از آن صدای زیبا ساز جملہ – به صدایی گفته می‌شد که پرچم، رسا و بلند باشد. بنان با معیارهای آن روزگار که صدای خوانندگان و معین‌الکلیاتش گاهی روی صفت نخستین صفحهٔ موسیقی در ایران، تا پیش از آن صدای زیبا ساز جملہ – به صدایی گفته می‌شد که پرچم، رسا و بلند باشد. بنان با معیارهای آن روزگار که صدای خوانندگان و معین‌الکلیاتش گاهی روی صفت نخستین صفحهٔ موسیقی در ایران، تا پیش از آن صدای زیبا ساز جملہ – به صدایی گفته می‌شد که پرچم، رسا و بلند باشد. بنان با

در به روز کردن موسیقی ملی ایران، در به سطح نت دار کردن این موسیقی که با استندها خود کرده و در دل آنها قد می‌زدند بود اما سخت نیازمند به روز شدن و به لفظی مدرنیزاسیون نشان می‌داد. بنان با وزیری دمساز شد و شاید مهمترین کاری که در این هم‌راهی بدان اهتمام ورزید اجرای نت‌های می در آواز و تصنیف‌خوانی بود. بدین ترتیب سکه به‌م‌خوانی در موسیقی آوازی ایران به نام بنان ضرب شد.

دیگر این امکان برای خوانندگان نورسیده وجود داشت که با وجود ضابطه‌های استودیویی و بعد هم از راه رسیان و رادیو و در ادامه‌اش هم تلوزیون زمزمه‌های عاشقانه‌شان را با اینگونه وسایل جمعی نوسر به گوش جان‌ها برسانند. اما این همهٔ ماجرا نبود. زیبایی‌شناسی والای بنان او به چنان سلیقه‌ای بخشیده بود که به کمتر از کیفیت عالی در صدا و آثار آوازی و تصنیفش رضایت ندهد. بنابراین به جد و جهد در پی بهبود صدایش به ایده‌آپدالیستی برآمد و الحق هم به مرحله آموزش سررسید. بیرون شد. به گونه‌ای که هنوز هم بی هیچ تردیدی بنان بهترین به‌خوان تاریخ یکصد و سیزده ساله ضبط موسیقی در ایران به حساب می‌آید.

او به خوبی لطافت را با احساس صدایش آمیخت و صدایی حرف‌ورزی برای خودش فراهم آورد. وجود امکان ضبط و شنیدنی‌اش صدایش هم بهره‌هاست. تسلطی که بر سازهایی مانند پیانو داشت به او این فرصت را می‌داد که در هر چه ژوستر خواندن بیشتر بکوشد و سرسیند هم بیرون آید. چنان که امروز در میان ژوسترترین سدهای این یکصد و سیزده ساله نام بنان در کتاب بزرگانی همچون استاد زنده‌یاد حسین قوامی (فاخته‌ای) مطرح است.

به جز این‌ها بنان کوشید و توانست فرمی دخرو امکان‌ها و توان صدایشش برای خود فراهم کند. مگر در آواز ایرانی همچنان هم برای بسیاری موقله‌ای است ناشناخته و بیشتر از طریق تکرار ردیف و برخی شیوه‌های آوازی گذشتگان به صورت طوطی‌وار است که تسلط نسبی ویدی و به بخش اجرایی‌اش هنر پیدا می‌کنند. بنان اما با درایت و هوش والایش فهم که به خوبی می‌شناخت و آن را به خدمت طریقه‌های آوازی و زیبایی‌شناسی خاصی خود درآورد. او با این دید ژرف اتفاقا دست بر جاهایی از موسیقی آوازی ما گذاشت که به رغم وجود چنان بستر بالقوایی تا آن زمان هنوز نیکر و ناپذیده باید مانده بود. اینگونه بود که بنان آوازهایی بدیع با صدای غم‌خیز، غم‌خیز، غم‌خیز و همگان را با کمان رنگینی از نغمه‌ها، گردش‌های ملودیک، تحریرهایی مرتب و حسابه‌شده، شعروخیالی منحصر به فرد و دقیق که از تلقیق دانشین و واژگان با ملودی مناسب هر بخش از شعر به جاودانه‌های همچون «بلبلان» و «سویسک» بدل شدند و نسل به نسل گوش‌های مشتاق و تشنه را سیراب کردند آشنا ساخت.

بنیان هیچ‌گاه به این نمایش قدرت حنجره‌اش نبود. اگرچه کار زیگواراز آواز ایرانی با این صداهای رسا و قدر همچنان به بخشی دیگر از مجموعه مشتاقان این هنر پاسخ می‌دهد و به نوبه خودش هم کار این بزرگان لازم و زیست‌ام بنان در پی آوازی دیگر بود. آوازی که رنگ غلامحسین بنان را داشته باشد و هنر بلند و هنرمند او را نمایانگی کند. از جمله بداعت‌های بنان در این راه، تلاش برای رسیان به یک آواز شهری و مدرن ایرانی و بازنمایی آن در پیش چشم و گوش مخاطبان بود. تشنه‌ها و دیوانسالاری پهلوی اول در حال گسترش بودند و آن آواز دلربایی شبه روستایی با همه زیبایی‌هایش دیگر به تنهایی جوابگوی عطش شیفگان این هنر نبود. از راه مدرن لوئبیل و صفحه گرافاؤون و رادیو و هوار جرم ماشین که همگی از مدرن شدن روزافزون پایتخت و دست کم تعدادی از شهرهای بزرگ کشور حکایت می‌کردند همان آوازی را می‌طلبد که بنان در پی‌اش بود.

او به‌زیبایی، ترجمانی آوازی‌ان از شعر ارائه می‌کرد (کاری که خوانندگان با بعد از خودش هیچ‌کس با بعد پایه موفق به ارائه‌اش ننشند). برای او شعر در مسیر ساختن یک اثر آوازی فقط یک ماده خام نبود که احیاناً فقط به کار حمل و بیشتر ترین و ساده‌ترین بیان بکشد. برای بنان (و بعدها هر شایسته‌اش استاد زنده‌یاد نادر گلچین) شعر یک نقشه بود که در آن گوییدگت که چون آواز باشد و یا ملودی ترکیب و ارائه می‌شد و در پی‌اش ملودی نیز بایستی هم‌وزن و هم‌آوا باشد. شعر، طرخی و به خنجره جاری می‌شد. بدارستی هم با تأکید که بنان بر آموختن وزن‌های عروضی شعر پارسی توسط آوازپارس‌ها داشت و با طرافتی که در شهود و قریحه نایش جاری بود باید هم که انعکاس آوازش را قدرت لطافت، را به رخ می‌کشید. ولی آخر مگر قدرت هم لطیف می‌شود؟ آری! و این هنر بنان بود. او ضمن این‌ها صدایش را به تکنیک‌های گرم‌خوانی به نیکی آراسته بود و سر سوژنی از نت‌های آوازهایش حتی ذره‌ای به دور از گرمی نیست.

با کزاری به بنان در آواز کرد باید درباره خودش و آثاری که بر جای گذاشت مقاله‌ها نوشت، سخن‌ها گفت، کتاب‌ها فرامه آورد، فیلم‌ها و برنامه‌ها ارائه کرد تا بخشی از آن را در رویکرد بدیع‌اش به هنر آواز دارد ادا شود. درک و سلیقهٔ او از هنر آواز و موسیقی ملی در روزگار

نی فقط با شهود والا و دانش بی‌همتا و پژوهشی نیمای مرستان در هنر شاعری قیاس‌پذیر است. هر آنچه نیمای پوشیچ بر لفظ‌های دنوردیده و فتح‌ناشده شعر این سرزمین می‌جست و گشت و یافت و به اختیار برگزید و به زیبایی عرضه کرد، غلامحسین بنان هم در آواز چنان کرد. اما از بخت بعد نیمای آواز ایرانی به قدر نیمای شعر سرزمین پارس خوش‌اقبال نبود و قدر ندید.

هر قدر نیما حواریونی داشتند که گرد شمع وجودش پروانه‌وار خیزدند و بر رایش چه در زمان حیات پیرمردی که چشم هم‌شان بود و چه پس از او، چراغ تابانند و بازش شناسانند، بنان به تک درختی تونمند می‌مانست که فقط دو سه تن (آن هم نه به جد و جهد همهٔ حواریون نیمای شعر) رایش را به مدت محدود پی می‌گرفتند. اما آن تک درخت خرسار و دراز، چشم‌منظر آوازی می‌چشم‌ها و چشم‌ها را از شیرین و گراگشتند از نفس می‌کشند، به می‌م‌گرند و قشیم به آثار عاشقانی است که میوه‌هایش را نوبر کنند و بر دوستداران هنر ملی آواز عرضه دارند. چشم‌نیمای آواز ایرانی« امروز به همهٔ مااست.

آئین اختتامیه سومین جشنواره رسانه‌های شهری شامگاه یکشنبه با حضور محسن‌هاشمی رئیس شورای شهر تهران و پیروز حاجی شهردار تهران در بسرح آزادی تهران برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، پیروز حاجی در آیین اختتامیه سومین جشنواره رسانه‌های شهری در محل برج آزادی با بیان اینکه باید درخصوص مفهوم کار در شهر به توافق برسیم اظهارداشت: تا زمانی که توافق حاصل نشده مشکلات زیادی داریم. وی افزود: در شهر به نواقف برسیم گذشته به مرور پذیرفته‌ایم که شهر باید یک کارگاه ساختنمی باشد در حالی که کمتر کشوری است که شهرهای بزرگ و پایتخت آن اینقدر دستخوش تغییر باشد.

شهردار تهران با بیان اینکه اصحاب رسانه در این زمینه نقش دارند و می توانند تعریف درستی از کار داشته باشند اظهار داشت: باید به ملت این امر بپردازیم و در این همین زمینه از صاحبان قلم دعوت می کنم در این زمینه کار کنند، تأثیرگذاری کارها در شهر را مورد ارزیابی قراردهند و مطمئن نتیجه بهتری حاصل خواهد شد. وی همچنین درخصوص نقش رنگ در شهر گفت: این کار با کمترین هزینه سر وشت را تغییر می دهد. حاجی از اصحاب رسانه و همه کسانی که نسبت به شهر حساسند قدرانی و استاد زندیاد بسیاری از این قلم‌ها و قدها موجب ایجاد تغییر در شهر می شود. وی با تشکر از انتخاب محل برگزاری مراسم در برج آزادی اظهارداشت: این سازه نتیجه یک مسابقه معماری و استفاده از ظرفیت خرد جمعی است که نشان می دهد استفاده از خردجمعی سال‌ها مورد استفاده مردم و قدرانی آنها قرار دارد.

محسن‌هاشمی، رئیس شورای شهر تهران، در آیین اختتامیه سومین جشنواره رسانه‌های شهری با بیان اینکه تولید، مدیریت و توزیع محتوا یکی از

شانزدهمین گردهمایی باستان شناسی کشور برگزار می شود

شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران با حضور باستان‌شناسان ایرانی و خارجی از کشورهای ژاپن، دانمارک، ایتالیا، آلمان، اتریش، فرانسه، چین، گرجستان و کانادا برگزار می شود.

به گزارش ایرنا از روابط عمومی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، نتایج فعالیت‌های میدانی باستان شناسی ایرانی و خارجی در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶، در شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران در قالب هیئت نشست تخصصی مورد بررسی قرار می گیرد.

در شانزدهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران که از ۱۲ اسفندماه به مدت سه روز برگزار می شود باستان شناسانی از کشورهای ژاپن، دانمارک، ایتالیا، آلمان، اتریش، فرانسه، چین، گرجستان و کانادا حضور دارند.

«گزارش کوش فصل سوم و دوم در محوطه پارینه سنگی میرک استان سمنان»، «گزارش فصل اول گمانه زنی باستان شناسی درغار الجبیری مرودشت استان فارس انجام گرفته توسط هیئت مشترک ایران و ژاپن»، «گزارش فصل دوم کوش در پناهگاه صخره ای بابه یوان استان کرمانشاه» «گزارش فصل چهارم گزارش یوف استان فارس» از مواردی است که در این همایش بررسی می شود. «بررسی و شناسایی جنوب کرمان انجام گرفته توسط هیئت مشترک ایران و آلمان»، فصل ششم و نهمی به عنوان برگزیده به جامعه علمی کشور و ایران و ایتالیا، «ارزیابی برداشت‌های مغناطیسی سنجی با کوش‌های باستان شناسی درتل آشتی، دارستان بم استان کرمان» و «تفوش برجسته نوپافته دردانه بمو استان کرمانشاه» عناوینی است که در این همایش مورد بحث قرار می گیرد.

اعطای جایزه برگزیدگان سی و دومین جشنواره بین المللی خوارزمی

سی و دومین جشنواره بین‌المللی خوارزمی

با معرفی ۱۶ طرح برتر داخلی و خارجی به کار خود پایان داد.

به گزارش ایستا، جشنواره بین‌المللی خوارزمی در ساله با هدف شناسایی و معرفی طرح‌های برتر و تقدیر از پژوهشگران و نوآوران برگزار می‌شود. طی ۲۲ دوره برگزاری این جشنواره از میان ۲۰هزار طرح تحقیقاتی حاضر در این رقابت، ۱۰۰۰ طرح بنیادی کاربردی، توسعه‌ای و اختراع و نوآوری، به عنوان برگزیده به جامعه علمی کشور معرفی شده است. در این دوره از رقابت‌های بین‌المللی خوارزمی، ۱۷۱ طرح داخلی و ۱۱۱ طرح خارجی از ۴۲ کشور دنیا در بخش‌های همچون طرح‌های داخلی، طرح‌های خارجی، طرح‌های ایرانی مقیم خارج از کشور، طرح برگزیده موفق در تولید ملی و بازنمایی آن در پیش چشم و گوش مخاطبان و طرح‌های نوآوری، به رسمیت پذیرفته شد.

طرح‌های منتخب در حوزه‌های زیست فناوری، محیط زیست و علوم پایه، مواد و متالورژی و انرژی‌های نو، هنر، بسرق و کامپیوتر، مکانیک، مکترونیک، فناوری‌های شیمیایی و فناوری‌های نانو بوده است.

عناوین طرح‌های برتر به این شرح است:

*** برگزیده ویژه**
عنوان طرح نقش مؤثر در توسعه نظری و کاربردی مهندسی مواد و متالورژی در ایران از سوی استاد پرویز دوا می

پرویز دوا می از پیشگامان رشته متالورژی است که با گردآوری جمعی از استادان و دانش پژوهان در سال ۱۳۷۸ وجود مشکلاتی همچون نبود سرمایه و امکانات، با یک‌شک نقش مؤثر و تبدیل در فضای رسانه‌ای کشور برقرار کرد و به ضایعات دست‌افکار عمومی هبوطان خویش در مسیر توسعه و استعلاّی جامعه ایفا کرده و می‌کنند.

سالان ۱۰۰ دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، روز نهم اسفند امسال گیتی می‌گشاید، در حالی که پس از طی فرسنگها و کسب تجربه‌های گران‌سنگ، به پاس قدردانی از استادان و مربیان که در ساختن‌ها وجودی و علمی آنان نقش داشتند، گردهم آمده و یاد یکایک آنها را گرامی داشتند.

تقدیر از برترین‌های سومین جشنواره رسانه‌های شهری



چالش‌های امروز است که باید بیش از پیش به آن پرداخت اظهارداشت: در گذشته مطبوعات اثرگذاری محدودی داشتند اما امروز دهها میلیون شهروند از طریق شبکه‌های اجتماعی هم مخاطب و هم صاحب رسانه هستند. وی خاطرنشان کرد: معنای واقعی هر شهروند-رسانه امروز بخشی حس می‌شود و این امر در حال تحقق است.

رئیس شورای اسلامی شهر تهران گفت: امروز مشاهده می شود چگونه حاصل در برج آزادی اظهارداشت: این شهروندی تولید و به اشتراک گذاشته می شود در چند ساعت مورد بازدید دهها میلیون بیننده قرار می گیرد. وی ادا داد: از وضعیت فعلی مشخص است که هنوز همه دست اندرکاران حرفه ای مطبوعات نتوانسته اند وارد فضای مجازی و حرفه ای شوند و آن را به طور حرفه ای کنترل کنند.

علی اعطا سخنگوی شورای شهر

اخبار داخلی



تهران نیز در این مراسم با بیان اینکه رسانه‌ها گفت وگو درباره شهر را ترویج می کنند، گفت: شهر از دو دهه قبل به موضوع و سوره برای شناخت، بررسی و کشف تبدیل شده است. عباس عسلی رئیس هیات مدیره انجمن صنفی روزنامه نگاران استان تهران نیز در این مراسم گفت: چشم‌انداز امیدبخشی برای مطبوعات در سال آینده نمی توان دید.وی افزود: ما رسانه‌های مسئول دیگر مانند سابق مرجعیت ندارند.وی افزود: آنان که به عنوان نشر سوم و معصومه آقاآیینی از خبرگزاری ایرنا به عنوان شایسته‌ی تقدیر انتخاب شدند.

رسانه ای به نسبت خوب ناشرین ما است. از سال ۱۷۹۱ این فضا با سیر نزولی مواجه شد، امروز هم فضای پرشناپی داریم اما رسانه‌های مسئول دیگر مانند سابق مرجعیت ندارند.وی افزود: آنان که به عنوان نشر سوم و معصومه آقاآیینی از خبرگزاری ایرنا به عنوان شایسته‌ی تقدیر انتخاب شدند.

رسانه ای به نسبت خوب نزولی مواجه شد، امروز هم فضای پرشناپی داریم اما رسانه‌های مسئول دیگر مانند سابق مرجعیت ندارند.وی افزود: آنان که به عنوان نشر سوم و معصومه آقاآیینی از خبرگزاری ایرنا به عنوان شایسته‌ی تقدیر انتخاب شدند.

سرویس فرهنگی: همایش «صنعت نشر در دهه پنجم انقلاب اسلامی» با شعار «آنچه هستیم، آنچه باید باشیم» روز دوشنبه ۱۲ اسفند در تالار سوره حوزه هنری برپا شد.

به گزارش خبرنگار ما، در این همایش که با عنوان گردهمایی سالانه ناشران عضو مجمع برگزار شد، ضمن تجدید دیدار فعالان عرصه نشر و فرهنگ و بررسی مسائل پیش روی صنعت نشر، معضلات دامن گیر جامعه‌ناشران و مشکلات اخیر نیز بررسی شد. از مواردی که این مجمع نسبت به آن نظر دارد می توان به بررسی بحران آبشار و راهکارهای عبور از وضع فعلی، بررسی ایجاد قوانین حقوق مالکیت فکری و ادبی در کشور، چهاردهنبدی برای حل مشکلات توزیع و ترویج کتاب اشاره کرد.

میشم نیلی، مدیرعامل مجامع ناشران اسلامی و حجت‌الاسلام غلامرضا غمینی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا سخنرانان این مراسم بودند.

میشم نیلی، مدیرعامل مجامع ناشران اسلامی و حجت‌الاسلام غلامرضا غمینی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا سخنرانان این مراسم بودند.

میشم نیلی، مدیرعامل مجامع ناشران اسلامی و حجت‌الاسلام غلامرضا غمینی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا سخنرانان این مراسم بودند.

میشم نیلی، مدیرعامل مجامع ناشران اسلامی و حجت‌الاسلام غلامرضا غمینی، رئیس مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا سخنرانان این مراسم بودند.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه دوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

رئیه سوم طرح‌های توسعه‌ای با عنوان طرح «استحصالی فراخنگ از کاتالیزهای صنعت یکپارک دار به روش آجیای الکتریکی» به مهندس حسین نوابی‌الوار در گروه تخصصی فناوری‌های شیمیایی اختصاص یافت.

شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۷ - ۲۷ جمادی الثانی ۱۴۴۰ - ۵ مارس ۲۰۱۹ - سال نود و سوم - شماره ۲۷۳۲۷

تقدیر از برترین‌های سومین جشنواره رسانه‌های شهری

سیدنیم تدین‌نوی و محمدرضا تقفی (شهروند) نیز مشترکاً در جایگاه سوم قرار گرفتند.

فاطمه جمال‌پسور (روزوارو)، مهدی سلامی (همشهری)، علی نکویی‌فرد (ایرنا) و فاطمه علی‌اصغر (ایرنا) در بخش چندرسانه ای مورد تقدیر قرار گرفتند.

در بخش دیداری و شنیداری، مریم جعفری (خبرگزاری صداوسیما)، یوسف‌سلامی (خبرگزاری صداوسیما) و در بخش گزارش تلویزیونی نیز نفیسه شهریان (شبکه خبر) و راضیه آقایی (باشگاه خبرنگاران جوان) برگزیده شدند.

در بخش تولیدات رادیویی علیرضا محمدی (رادیو تهران)، مژده نقددوز تهرانی‌ها (رادیو تهران) و علی البرزسان (رادیو اقتصاد) مورد تقدیر قرار گرفتند.

دربخش گزارش نیزمحمدرحسین خودکار (روزنامه جام‌جم) به عنوان نفر اول، الهام مهدی‌زاده (شه‌رآر) به عنوان نفر دوم و مهتاب جودکی (شهروند) به عنوان نفر سوم انتخاب شدند.

صدیقه‌رشیدپوریایی (ایستا)، علی کاظمی (باشگاه خبرنگاران جوان) و نسرات اول در دوم بخش گفت‌وگو برگزیده شدند.

در بخش هنر این جشنواره، مهدیسا صفری‌خواه و حسام حیدری (ه‌سر) دو در روزنامه قانون) به عنوان برگزیده شدند.

نفسرات اول و دوم و مجتبی احمدی (اعتماد) نیز به عنوان نفر سوم انتخاب شدند.

محمد مهنهیی (جام‌جام آنلاین)، خدیجه‌نادری (تسبیم) و سجادصفری (روزنامه ایران) برگزیدگان بخش عکاسی جری این جشنواره بودند.

در رشت گزارش تصویری نیز از مجید عسکری‌پور (خبرگزاری مهر)، وحید خدادادی (آنا) و علی حدادی (آنا) به عنوان نفر دوم و مشترکاً از امیرهاقانی (شهروند) و محمدرضا احدی (همشهری مجله) به عنوان برگزیدگان جایگاه سوم تقدیر دوم و

نفسرات اول و دوم و مجتبی احمدی (اعتماد) نیز به عنوان نفر سوم انتخاب شدند.

مجدید رضاییان رئیس هیات داروان این جشنواره نیز پیاپی این هیات را قرائت و بر ضرورت توجه بیشتر اصحاب رسانه بر کیفیت افزایی به تولیدات رسانه ای، فعالیت‌های تبلیغی و نیز توجه به روزنامه نگاری فرایندمار تأکید کرد.

آن هستند مورد توجه نیست.

حجت الاسلام غلامحسین بنان نیز در این مراسم با اشاره به تغییرات جدی که در حوزه نشر طی سالهای اخیر رخ داده گفت: فضای مجازی یک تمسار جدید و متمایز خلق می‌کند. از همه مهمترین سبک زندگی است که فضای مجازی به وجود آورده را باید خیلی جدی گرفت و مورد موشکافی قرار دهیم. با تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات، صنعت نشر موعیت خاصی پیدا کرده است. صنعت نشر سالیهاست در معرض تحول قرار گرفته و چون ما خیلی دوست نداریم این تحول رخ دهد چندان به آن توجه نکرده ایم. در اثر تمدنی که فضای مجازی به وجود آورده صنعت نشر هم درگروگ می شود. لذا صنعت نشر ما در یک انقلاب قرار گرفته است.

غلامی گفت: فناوری‌های مجازی با گوش مصنوعی افراد انتقال اطلاعات را در کشور است و تحولات در حوزه فنی تنها رخ نداده بلکه در محتوا و سطوح آن هم تغییر کرده است. این فناوری را حق فرصت ندانست که باید شرایط آن را به خوبی درک کنیم دانست و گفت که صنعت نشر ما باید یک بازیگر بزرگ در حوزه فضای مجازی باشد که در حوزه فضای مجازی در ایران رخ می دهد و حضوری که ما در آن داریم یک بازی است و چندان تئاری ندارد. باید حضورمدان را و تأثیرگذار باشد.

جزئیات ارایه خدمات دندانپزشکی رایگان

در ۶۰هزار مدرسه

رییس اداره سلامت دهان و دندان وزارت بهداشت ضمن تشریح اقدامات انجام شده در قالب طرح تحول سلامت دهان و دندان و کاهش اختصاص پوسیدگی دندان‌ی در کودکان، گفت: اولین گروه هدف ما افراد شش تا ۱۴ سال بودند که به صورت فعال برای ارائه خدمات به آنها در مراکز بهداشتی درمانی انجام شد. تاکنون ۶۰ هزار مدرسه ابتدایی کشور را تحت پوشش قرار دادیم.

دکتر حمید صمدزاده اظهار کرد: اولین گروه هدف ما افراد دهه تا ۱۴ سال بودند که به صورت فعال برای ارائه خدمات به آنها در مراکز بهداشتی درمانی انجام شد. تاکنون ۶۰ هزار مدرسه ابتدایی کشور را تحت پوشش قرار دادیم.

رییس اداره سلامت دهان و دندان وزارت بهداشت گفت: اقدام دیگری که از سالن تحصیلی جاری در این حوزه آغاز شده، تحت هدان و دندان عاری از پوسیدگی برای کودکان پایه ششم بود که در حال حاضر ابداع شده و در شهرها و روستاها، گروه هدف را ۲۰۰۰ هزار دانش‌شان را انجام می‌دهیم. باید توجه کرد که یک میلیون ۲۰۰۰ هزار دانش‌شان را پایه ششم ابتدایی داریم که برایشان این اقدام انجام می‌شود.

صمدزاده افزود: بر این اساس در حال حاضر حدود ۴۰ درصد دانش‌آموزان‌ما قاعده مشکل هستند و امیدواریم تا پایان سال تحصیلی این میزان به مرز ۸۰ درصد برسد. در صورت انجام این اقدام، در آینده پوسیدگی دندان برای کودکان کمتر ظهور می‌کند. در حال حاضر ما با اقداماتی که در قالب طرح تحول سلامت دهان و دندان انجام شده، خوشبختانه شاخص پوسیدگی دمنای ۵ دکتی افزود: هدف به ۱۴۴ کاهش پیدا کرده است.

DMFT اقدام دیگرمان در این حوزه ارائه هشتت خدمت دندان‌پزشکی برای افراد زیر ۱۴ سال و مادران باردار و شیرده در روستاها و شهرهای زیر ۲۰ هزار نفر که تحت پوشش بیمه روستایی هستند، بودند.

در این رشته ازجمله پیشنهادهای شرکت‌کنندگان همایش بود.

دکتر مهدی قربانی نیز که خود دانش‌آموز همین دانشکده بود و

هم‌اینک ریاست آن را به عهده دارد طی سخنانی خواستار ایجاد راهکاری (محل سابق دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی) و متخصصان روابط عمومی دوره‌ای گذشته به دانشجویان و دانش‌آموختگان دوره‌های اخیر و

در این مراسم اعلام شد که در آینده نزدیک کتابی تحت عنوان «چشم‌ها» به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی منتشر خواهد شد. در این همایش علاوه بر دانش‌آموختگان رشته‌های روزنامه‌نگاری و روابط عمومی، فارغ‌التحصیلان رشته‌های مدیریت بازرگانی و ترجمه دوره‌های یاد شده نیز حضور داشتند.

آموزش علمی روابط عمومی در ارتباطات حرفه‌ای جامعه پرداختند. تشکیل جامعه و یسا کانون دانش‌آموختگان علوم ارتباطات اجتماعی و انتشار نشریه‌ای علمی و حرفه‌ای خاطرات، به تشریح روند تأسیس، سیستم آموزشی، نقش این دانشکده در استحاله ارتباطات اجتماعی سنتی به روزنامه‌نگاری آکادمیک و علمی و همچنین تأثیرات غیرقابل انکار

شب «هادی خانیکی» در کتابخانه ملی



پخش مستند کوتاه «تو دیگر نیستی» از دیگر برنامه های این آیین است که از ساعت ۱۷ در تالار قلم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار می شود.

در این مراسم اندیشمندانی چون مصطفی ملکیان، سیدمحمدبهشتی شیرازی، مصطفی معین، احسان شریعتی، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمدملهدی قربانی، احمد مسجدجامعی، سیدحسین سراج زاده و مقصود فراسات خودی سخنرانی خواهند کرد.

آیین «شب هادی خانیکی» مسافر گفت و گو» با همکاری مجله بخارا برگزار خواهد شد.

فراخوان دومین دوره جشنواره عکس، فیلم و سفرنامه نوروزی

سرزمین ایران با فرهنگ و هنسر غنی، تنوع اقلیمی، گوناگونی اقوام و مراسم آیین‌ها سرآمد تمامی کشورهای منطقه و جهان می‌باشد. طبیعت و تنوع رنگ و در گستره سرزمین ایران و زیبایی مراسم واین‌ها و نیاز به توسعه نشاط اجتماعی در سراسر این سرزمین ایجاب می‌کند که این زیبایی‌ها گونه‌ای نمود پیدا کنند.

به گزارش میراث آریا، با این هدف جشنواره فیلم، عکس و سفرنامه نویسی ویژه نوروز ۱۳۹۸ را برگزار می‌سابقه رقابتی در بخش‌های گذل، جذاب و خلاقانه برای به اشتراک گذاشتن تجربیات سفرهای نوروزی در داخل کشور در اختیار علاقمندان قرار می دهد

این جشنواره به همت اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با شعار نگاهی دیگر به نوروز ایرانی در بخش‌های زیر برگزار خواهد شد.

بخش‌های جشنواره شامل فیلم و ویدئو دیجیتال، بخش عکاسی دیجیتال و بخش سفرنامه نویسی است. هر شرکت کننده مجاز به ارسال حداکثر یک سفرنامه مربوط به سفرهای داخلی است. علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را به آدرس اینترنتی **farhangarhangoi@choir** ارسال و مشخصات زیر شامل: نام و نام خانوادگی، کد ملی، تلفن تماس ثابت و تلفن همراه ارسال نمایند و برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۰۶۱۰۶۳۳۵۶ - ۰۶۱۰۶۳۳۶۲ تماس حاصل نمایند.

«ابن سینا» منبع بزرگ پزشکان ایرلندی در قرون وسطی

یک کتاب باستانی، پیوند حیرت‌انگیز پزشکان ایرلندی و پزشکان ایرانی را در عصر طلایی دانش اسلامی آشکار کرد. به گزارش ایسنا و به نقل از ایریش نیوز، این کشف که توسط پرسفوسر «مچین» از دانشگاه «دورک» ایرلند صورت گرفته است، نشان می‌دهد پزشکان ایرلندی در سال ۱۲۰۰ میلادی از دانش پزشکی ایرانیان بهره می‌بردند.

طبق اطلاعات حاصل از این کشف، از کتاب پزشکی معروف «قانون در طب» نوشته ابن سینا» باضیاعان، پزشک و پزشک‌ان ایرانی، در قرون وسطی برای تعلیم پزشکان ایرلندی استفاده شده است.

این کشف تعلیمی صورت گرفت که پرسفور «مچین» از وجود این کتاب باستانی که با

انسان خلاق هر جای دنیا باشد نه این که بیکار نیست، بلکه نور او بیش بر همسایگانش پرتوافشانی می‌کند؛ انسان خلاق، نیازی نیست در پی کار بگردد بلکه کارها سراغ‌اش می‌گیرند.

گفته می‌شود در انسان ایرانی، روحیه همکاری (کار گروهی) وجود ندارد چون کمی خودخواه و کمی هم تنبل است؛ (که البته نادرست است) کارآفرین نوآور تنها یک‌بخش از شکوفایی کارآفرینی در جامعه است و در بخش مهم دیگر باید جامعه، بستر خوبی برای کارآفرینی ایجاد کند تا دیگر کاروانا اگر خود خلاقیت ندارد، به آن گرایش یابند و با روحیه همکاری جویی، کارها را پیش ببرند. بی‌گمان کارآفرین خوب از جامعه‌ای که تکیرو است و ناپشتیان، مهاجرت خواهد کرد.

توجه به نقش کارآفرینی در شکوفایی اقتصادی و اجتماعی کشورهای پیشرفته برای کشور ما راهگشا خواهد بود. با بررسی فرایند کارآفرینی با گوشه چشمی به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که بر پرسش گرفتن موارد موفقیت و شکست، کمک بزرگی برای موفق‌تر شدن کارآفرینی است تا در سایه‌اش، فرصت‌های کاری نو پدید آید و گذار از اقتصاد تک ساحن فراهم شود.

سر پایه بررسی بر آیدها، سبب بنیادین شکست کارآفرینان در ایران، در بر گیرنده نوسان

چالش‌ها و مشکلات کارآفرینی

*** استاد محمدرضا شعبانعلی، مدرس کار آفرینی: کار آفرینی تنها یک دانش نیست که با مطالعه و آموزش به‌دست آید. واقعیت این است که بسیاری از کار آفرینان پیروز منذه کسب و کارهای بزرگ دارند و نقشی بزرگ در پیشرفت بازی کرده‌اند. پیشتر آموخته‌های رسمی بسیار کمی در یافت کرده‌بودند**
*** همه کارآفرینان بزرگ از مدرک رسمی بالای دانشگاهی برخوردار نیستند. شناخت کار آفرینی و الگوی ذهنی کارآفرین، چیزی ورای دانش کار آفرینی‌ست**

به برگزاری دوره‌های آموزش کار آفرینی مانند دوره‌های پرورش هنرمندان است. این دور ها بیش از هنر مند، منتقد هنری پرورش می‌دهد

*** بخشی از ویژگی کار آفرینی، به شخصیت بر می‌گردد و حتی در سن پایین نیز برخی از این ویژگی‌ها مشاهده می‌شود**

ویژگی‌های کارآفرینان موفق

وضعیت اقتصادی کشور، بورکراسی دولتی، کندی در تأمین منابع مالی از سوی بانک‌ها است که به فروکش انگیزه‌ها می‌انجامد و دل‌سردی پدید می‌آورد. گاهی نیز سرشت طرح بی‌گانه‌با واقعیت جامعه است و انسان خلاق ارتباطی با گروه‌های همکار ندارد.

از دامنهٔ پاسخ
شکست‌ها را اگر نیک‌بین‌گریم روی دیگرش موفقیت است. و این چنین موفقیت بدون شکست مانند درخواست رنگین‌کمان بدون باران است. شما باید یک شکست را تحمل کنید، پیش از این که موفقیت را دریافت کنید. با هر فرد موفق که هم سخن‌شورید همین را خواهد گفت. کارآفرینان موفق به گمان زیاد به شما داستان‌هایی در مورد کوشش‌های ناموفق و شکست‌هایشان می‌گویند که بتناچار آنان را به مسیر موفقیت هدایت کرده است. آنان به شما اطمینان می‌دهند که تنها سبب موفقیت‌ها آنان این بوده که اجازه ندادند شکست‌ها آنان را بپذیراند که ترک کار کنند. آنان سدها و دیوارها

می‌بیزد.
هم‌چون فرمائرای خودروسازی است و این هنری فرود از خلاقیت پشت خلاقیت خود دارد: «پیش از کار خودروسازی، تجربه شکست و شکست‌ها را در ذهن می‌گذاشتند و فکر باران‌دیده مردم و آن‌ها سبب شد که کوشش دوباره را رها نکن و به میخ‌راگی و مواد پیرام و گوشه‌ای بیفت.

پس از گذشتن و پس از آن در زندگی‌ام موفقیت را با کمپانی رکورد(ضبط) خود باقم. من می‌باشم. تا را جایی ادامه دادم که تمام دانی‌ای پیش افتاده را یاد بگیرم و همه باید‌ها و نیاید‌های کسب و کار را یاد بیاموزم. شکست‌زده‌ام که چگون زندگی من و کار من آنقدر از هم متفاوت است. کسانی به من می‌گفتند مدرک دانشگاهی ندارم؛ ولی من گوش نمی‌دادم پاتیناز، پایان کار نیست و می‌توان دوباره بلند شدم. ما که این را می‌دانیم پس چرا نباید دوباره

بایگریم؟
کارآفرینی آموزاندنی نیست یک آموز کارآفرینی -استاد محمدرضا شعبانعلی- می‌گوید ده ساله که در کنار کار فنی و تجاری به تدریس مدیریت نیز سرگرم بوده است، مجال ارزشمندی یافته تا در مقام مشاور در خدمت برخی مدیران خلاق کشور باشد. او در همه این سال‌ها دیده‌ا و آزموده‌های

همیشه ندایی در سرم می‌گفت ادامه بده، پس از بسیاری کوشش‌های ناکام با سرمایه‌گذاران شکست‌خورده، در نهایت کسی را یافتم که به رویام باور بیاروم.»
کسی که از داستان شکست می‌هراسد و از شنیدنش دوری می‌کند از داستان پرزوی نیز واهمه دارد و در همه زندگی‌ش گوشه‌گزی و تماشاگر خواهد بود. ریچارد برانسون- پیشگام نام تجاری ویرجین: «تا برستان دنبال درس و مشق رفته سپس ترک تحصیل کردم و در جوانی (۲۰ سالگی) شرکت ویرجین(Virgin)

دانش شکست‌ها

هنگامی که از انسان‌های موفق خواسته می‌شود راز موفقیت زندگی خود را بگویند، به جای پیروزی‌ها از شکست‌های خود می‌گویند. جی.ک. رولینگ نویسنده داستان‌های هری‌پاتر

پیش از آغاز کار شکست خورده بود: «من هم شکست ترازیک داشتم و هم پیروزی حماسی. ازدواج بسیار امیدوارم، ناامیدی به بار آورد و مرا از تنهایی به تنهایی دیگر و بیکاری پرو البته نه به سوی پدر و مادری خانمانم در بریتانیا.»
«در زمانی که احساس تنهایی و ناتوانی چیره بود متمرکز شدم به ندهای سرم: ندایی که بیشتر کسان نادیدش می‌گیرند تا نتوانند یک نویسنده شکفت‌انگیز شوند.»

نویسنده‌ای مانند آریانا هافینگتون، موسس هافینگتون پست هم شکست می‌خورد: «همیشه

آشتی نسله‌ا

دکتر مرتضی الهی‌قمشه‌ای	بخش چهارم
	
<div>مدل هفت‌آسمان مانند یک سمفونی شناختی است که ارزشش به یکپایک نوازندگان نیست، بلکه به ارتباط آنها در داخل کل ارکستر است. این سمفونی حوری جوهر شناخت است؛ چون جوهر شش‌ناخت همان ارتباط همخوانی یا هم‌نوازی انسان با جهان است. مدلها و الگوهای علمی مختلف هر کدام قابل ابطالند. آنچه امروز از نظر علمی معتبر است، ممکن است در صد سال آینده کاملاً</div>	

مردود شناخته‌شده شود. آنچه از مدل می‌ماند، هم‌پروازی و هم‌نوازی است که انسان از طریق این مدلها با جهان برقرار می‌کند. به قول فروغ: «پرواز را به خاطر بسپار، برنده مردی است.»

ما در مدل هفت‌آسمان به دنبال پروازها یا هم‌نوازی‌هایی هستیم که پدران و مادران‌مان در این مدل برای ما به میراث گذاشته‌اند. خود مدل مهم نیست، ولی چون این هم‌نوازی‌های شناختی در داخل این مدل ساخته و بیان شده، ما ناچاریم که مدل را کاملاً بشناسیم و تجربه کنیم تا بتوانیم هم‌نواپی آن را بشنویم. به بیان دیگر اگر بخواهیم آن بوته گل را با باغچهٔ اجدادمان به باغچهٔ خودمان بیاوریم، باید خاکهای اطرافش را که همان مدل‌شناختی باشد، از آن دور نکنیم.

پدران و مادران ما سعی می‌کردند جهان را به صورت یک مجموعهٔ واحد و متکلی ببینند. در جهان‌بینی علمی مدرن، جنبه‌های مختلف جهان هستی با هم ربط زیربنایی ندارند. جنبهٔ فیزیکی عالم یک مدل را دنبال می‌کند و جنبهٔ انسانی در مدل‌های دیگری تبیین می‌شود و همین‌طور یافته‌های متفاوتی‌بی‌ارتباط به یافته‌های دیگر بشری در مدل‌های ظاهراً غیر علمی عرضه می‌شوند. این چندجنبگی باعث سردرگمی بشر امروز شده است. انسان موجود یگانه‌ای است و نمی‌تواند با یک تجربه یا دید علمی نگاه کند و به تجربه دیگر به دید غیرعلمی و این سردرگمی در بیان تجربیاتش ظهور می‌کند.

شاغر امروز که ستارگان آسمان را در مدل مه‌بانگ (Big Bang) شناخته است، وقتی می‌خواهد تجربه احساسی‌اش را در مورد این چراغ‌های روشن آسمان بیان کند، مواجه با تضادی درونی می‌شود. از طرفی دلش می‌خواهد ستارگان را چون پیشینیان حکمرانان آسمان بداند، از طرف دیگر در دیربستان یا دانشگاه خوانده است که جهان‌بینی قدیمی غیرعلمی و در نتیجه نادرست است. شاعری مثل سنایی با نظامی این مشکل را نداشته و می‌توانست دریافت علمی و احساسی‌اش را در یک جهان‌بینی واحد بیان کند. نمی‌خواهم جهان‌بینی سابق را ترویج کنم، بلکه هدف این است که بگویم در تحلیل شعر سنتی، مدل و جهان‌بینی‌ای را دنبال کنیم که قدیمی‌ها دلتان می‌کرده‌اند. به این ترتیب می‌توانیم شاعر را در داخل متن فرهنگ خودش شناسیم و بعد از شناخت کامل، شاید بتوانیم آن را به داخل فرهنگ و جهان‌بینی زمان خود راه دهیم.

در معنی هفت آسمان

در هیئت زمین‌مرکزی که به آن «هیئت بطلمیوسی» هم می‌گویند، زمین مرکز کیهان است و تمام ستارگان به دور زمین می‌گردند (همان‌طور که ظاهراً نیز همین‌طور دیده می‌شود). در هیئت خورشیدمرکزی که به آن «هیئت کپرنیکی» یا مدرن می‌گویند، زمین یک سیاره است که همراه دیگر سیارات (مثل عطارد، مریخ، مشتری و زحل)، به دور خورشید می‌گردد. این دو نگاه به آسمان در تضاد نیستند، یعنی لازم نیست که درستی یکی به معنی غلط بودن دیگری باشد. اینها دو مدل هستند که هر کدام کاربرد خودشان را دارند. مدل کپرنیکی یک مدل علمی و استدلالی است و حال آنکه مدل بطلمیوسی یک مدل مشاهده‌ای و احساسی است.

ما وقتی به آسمان نگاه می‌کنیم، طبیعتاً خود را در مرکز مختصات عالم قرار می‌دهیم و در چنین مختصاتی، خورشید به دور زمین می‌گردد، نه زمین به دور خورشید. هزاران سال است که ما انسان‌ها حرکت ستاره‌ها و خورشید را به دور زمین مشاهده کرده و با آن زیست‌ه‌ام. این حرکت در روان ما نقش بسته و رابطه‌ای ادراکی و احساسی بین انسان و آسمان برقرار کرده است. ما در احساسات و ادراکات خود الزاماً علمی نیستیم و استدلالی عمل نمی‌کنیم. آفرینش‌های هنری نتیجه احساسات و ادراکات مستقیم ما از محیط هستند و الزاماً با مدل‌های علمی (به‌ویژه فیزیک مدرن) سازگار نیستند.

ما در علم به دنبال واقعیت هستیم، ولی برای ادراک هنری سعی می‌کنیم از واقعیت کمی فاصله بگیریم. تجربه هنری الزاماً نتیجه درک واقعیت‌ها آن نیست، بلکه تا اندازه زیادی زائیده رؤیاهای آن است. واقعیت‌ها بدون آمیزش با تخیلات و رؤیاهای تلخ و شومند. همه می‌دانیم که برگزگترین و مهم‌ترین واقعیت‌ها مرگ است که بسیار تلخ است. ما اگر تمام زندگی‌مان را به صرف واقعیت کنیم، خیلی از زندگی ب‌ایوس خواهیم شد. نمی‌خواهم بگویم که نباید واقع‌بین بود و باید رؤیایی زندگی کرد. محققاً رؤیاپردازی بیش از حد و عدم توجه به واقعیت، باعث تلخ تر شدن زندگی و واقعیت‌اش می‌شود. واقعیت را نمی‌توان ندیده گرفت؛ چون اگر هم ما آن را ندیده بگیریم، واقعیت ما را ندیده نمی‌گیرد و ما را احاطه خواهد کرد، به طوری که هیچ راه فرار از آن نمی‌دارد. ما هرگاه با واقعیت تلخی روبرو می‌شویم، نباید به آغوش رؤیا پناه ببریم؛ ولی در عین حال از رؤیا هم نباید فریختیم.

زندگی ما یک سر در جهان و واقعیات دارد و یک سر در جهان رؤیایها. ما باید در جهان واقعیات کار کنیم و در جهان رؤیا خرج کنیم. لذتهای بزرگ زندگی غالباً در جهان رؤیا رخ می‌دهند. علت شیرینی مامسل آن است که تخیلاتش بیشتر از واقعیت‌اش است. امروز متخصصان خانواده به زوجه‌ا توصیه می‌کنند که مامصل را تا می‌توانند، تکرار کنند؛ یعنی هر چند وقت یکبار واقعیات را کنار می‌گذارند و با هم به سفرهای مامصل بروند؛ به بیان دیگر که‌گاه واقعیات کار و زندگی را در شهر ترفایک و سیمان کنار بگذارند و با کاروان سفر به سرزمین رؤیایی پریان بروند. در عرفان و ادبیات ایرانی، سرزمین رؤیاه‌ا را «آسمان» می‌خوانند که به آن «سرزمین جان» هم می‌گویند. در مقابل آن، سرزمین واقعیات یا سرزمین جسم وجود دارد. برای زندگی خوب یا آرام، باید تعادل این دو عالم را حفظ کرد. اقامت ما نباید در هیچ‌یک از این دو عالم باشد. کسانی که در عالم واقعیات اقامت می‌کنند، آفت‌در کار را جدی می‌گیرند که یادشان می‌رود بازی کنند و شگفتی‌ها را به در عالم رؤیا زندگی می‌کنند. آفت‌در همه چیز را به بازی می‌گیرند که یادش‌ان می‌رود که باید کار کنند. در عالم جسم باید کار کرد و دخلی حاصل کرد تا بتوان آن را در عالم جان خرج کرد. رؤیاپردازان خیلی زود دخل خود را از دست می‌دهند و بدون دخل، عالم رؤیا تبدیل به عالم کابوس‌های شوم می‌شود. به قول سنایی:

برای گشت آشتی راست اینجا گشتن آست
برای زاد آنجا راست اینجا زادن حوا
منظور سنایی از «آنجا»، همان عالم جان یا خیال است و از «اینجا»، عالم جسم و استدلال است. بنابراین برای حفظ تعادل بین این دو عالم، باید در محلی بین این دو عالم قرار گرفت؛ یعنی نه در عالم جسم و نه در عالم جان. باز به قول سنایی:
عالم در جسم و جان منز، که این دون است را
قدم زین هر دو بیرون نُه، نه اینجا باش و نه آنجا
در جهان‌بینی هفت‌آسمان، عالم جان را به هفت طبقه تقسیم می‌کنند و هر طبقه یک وضع روحی و حال روانی خاصی را بیان می‌کند. ما در عالم جان همیشه به یک حال نیستیم. ما به تعبیر قدیمی‌ها هفت‌حال یا به اصطلاح غربی‌ها هفت‌حال حس داریم که به هفت سیاره تعبیر می‌شوند. هر یک از این سیارات، رنگی دارند که حال یا حتی آن آسمان را بیان می‌کنند. در هیئت بطلمیوسی این هفت سیاره که بر روی هفت‌آسمان تو در تو قرار دارند، از پایین به بالا عبارتند از: قمر (ماه)، عطارد (تیر)، زهره (انگشت، شمس (خورشید)، مریخ (پهرام)، مشتری (برجیس) و زحل (کیوان).

نظامی در منظومه «هفت‌گنبد» حالات این هفت آسمان را در هفت داستان شرح می‌دهد. مجوز این داستان‌ها پهرام شاه ساسانی است که هفت کاخ (یا گنبد) می‌سازد و هفت همسرش را که شاهزاده‌های هفت اقلیم هستند، در این هفت گنبد می‌نشاند. شاه در هر روز هفته به پیش یکی از همسران خود را یکی از گنبد‌ها می‌رود و بانوی آن گنبد، قصه‌ای برای شاه می‌گوید. این هفت گنبد هرکدام رنگ خاصی خود را دارد که با رنگهای هفت سیاره و هفت روز هفته مطابقت.

ادامه دارد

اشاره: «بازار خوب» تنها راه رسیدن به ثروت است و «بازار رده» راه فقر و نگوینختی است. باید به بحث بر سرخوب باید بودن اقتصاد بازار پایان داد و باید به اصلاح بازارها معطوف کرد. مسئله، خوب یا بد بودن اقتصاد بازار نیست. اقتصاد بازار می‌تواند خیر یا شر باشد؛ مسئله اصلی تبدیل اقتصاد بازار به یک پدیده‌ای فاجعه‌بار بازار بد یا نشانه‌ای از دشمنان اقتصاد بازار سبقت می‌گیرد. نکته بدیع کتاب او، شواهد متعددی است که به کمک آنها چگونگی گذر از بازار بد به بازار خوب را مطرح می‌کند. این کتاب موضوع مهم بازارفرینی بازار را ترسیم می‌کند و به مناشئه اقتصاد بازار یا اقتصاد دولتی پایان می‌دهد و به جایش این موضوع را مطرح می‌سازد که: چگونه بازارهای بی‌شماری را که رفته مردم به آن بستگی دارد، اصلاح کنیم. کتاب «بازافرینی بازار، تاریخ طبیعی بازارها» را خانم‌ها زهرا کریمی، ساعده عزیزی ثالث و آقای جواد اقدس طینت ترجمه کرده‌اند و آنچه در پی می‌آید، بخشهایی از فصل شانزدهم آن است:

نقرت از جهانی‌سازی
در دسامبر ۱۹۹۹ اعلان حقوق بشر، اعضای اتحادیه‌های کارگری، انقلابیون، گروه‌های مذهبی، فعالان محیط زیست و مدافعان حقوق حیوانات در خیابان‌های سنپاتل تجمع کردند. چیزی که باعث این ائتلاف ناممکن شد، نفرت این افراد از «جهانی‌سازی» بود که برای آنها نشست سازمان تجارت جهانی نمادی از آن بسود. معترضان تاتار خیابانی به راه انداختند؛ خوانندگان و رپرها، رقصنده‌ها و شعیده‌بازها جمعیت را سرگرم می‌کردند؛ فعالان محیط زیست لباس‌های نمادین به تن داشتند؛ و بین آنها لاک‌پشت‌های تزئینی، فلئین‌ها و انسان‌هایی که براساس دستکاری‌های ژنتیک تغییر کرده بودند، دیده می‌شد. آتارنشیست‌های سیاه‌پوش که با شال پوش‌شان را پوشانده بودند، شیشه‌های فروشگاه‌های مک‌دونالد و نایک‌تاون را خُرد کردند؛ زیرا آنها را نمادی از سلطه جهانی آمریکا می‌دانستند. وقتی پلیس وارد عمل شد، این تقابل‌ها به خشونت کشیده شد. پلیس با شلیک گاز اشک‌آور، گلوله‌های پلاستیکی و ضربات باتوم عمل‌شده شددی نشان داد و این وقایع در اخبار تلویزیون‌های جهان، بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. پس از یک‌رشته اعتراضات مشابه در ژنو در سال ۲۰۰۱، مجله اکونومیست نوشت: «معترضان کاری را تمام دادند که واحدهای روابط عمومی سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و اتحادیه اروپا نتوانستند در طول نیم قرن انجام دهند: آنها اقتصاد را مهیج کردند».

از دیدگاه معترضان، جهانی‌سازی به دلیل ایجاد مصائب متعددی چون افزایش شکاف درآمدی بین ملت‌های فقیر و غنی و در دون ملت‌های غنی، آسیب‌های زیست‌محیطی، قدرت بیش از اندازه شرکت‌های چندملیتی و تقابل‌ها به خشونت ملی مقصر بود. جهانی‌سازی به معنی کار سخت و طولانی کودکان بنگلادشی برای تولید توپ فوتبال، و به معنی توپک شلوپ‌لرهای چپ مُد روز به دست زنان السالوادوری در کارگاه‌های قدیمی فاقد شرایط مناسب و تولید فکشهای ورزشی به دست کارکنان اندونزی در کارخانه‌های گرم و بدون هوایرک بود در حالی که بخار سمی حاصل از چسب اشتقاق می‌کردند. به گفته وادانا شیشوا «شغل هند – جهانی‌سازی» نوع جدیدی از استثمار شرکتی است که به جان کشورهای فقیر و مردم فقیر در کشورهای ثروتمند افتاده است.»

جهانی‌سازی از ارتباط نزدیک بازارهای جهانی نشأت می‌گیرد که به مرور زمان نزدیک‌تر نیز می‌شوند. تحولات فناوری، عامل اصلی جهانی‌شدن اقتصاد بوده است. کشتی‌های باربری و جمیوحت‌ها در حالی که بخار سمی حاصل از چسب اشتقاق می‌کردند، به گفته وادانا شیشوا «شغل هند – جهانی‌سازی» نوع جدیدی از استثمار شرکتی است.

فقر جهانی را به تقسیم ثروت نمی‌توان از بین برد. تعداد فقرا خیلی بیشتر از ثروتمندان است و شکاف در آدنی بسیار عمیق است. حتی اگر توزیع مجدد گسترده‌ای در سطح جهانی قابل اجرا باشد، منافع محدودی به کشورهای فقیر می‌رسد؛ بنابراین تنها راه‌حل واقعی، «رشد اقتصادی» است

هزینه حمل و نقل کالا را بسیار کاهش داده‌اند. امروزه کابوهای شش‌پایه پولور را درفاصله انتقال می‌دهند. تغییر در سیاست‌ها، از جمله لغو محدودیت‌های تجاری و موانع سرمایه‌گذاری خارجی و در سرانسر جهان در شکل‌گیری این فرایند سهم به سزایی داشته است. جهانی‌سازی حتی شیوه‌ای که مخالفان آن خود را سازمان‌دهی می‌کنند تغییر داده است: اینترنت آنها را از طریق سایت‌ها به هم مرتبط می‌کند.

هنرمند برای عمق و غنای کار هنریش‌اش نیازمند است پیوسته خوراک فکری و فرهنگی دریافت کند، وگرنه کارش یا در خطر میان‌مایگی قرار می‌گیرد یا خطر مخاطب‌ناشناسی. در نظر داشته باشیم اگر هنرمندان اهل اندیشه‌های عمیق و ژرف‌نگری‌هایی بودند که نزد اندیشمندان و اهل فکر سراغ داریم، آن‌وقت اندیشمند بودند و اگر اندیشمندان مهارت این و ارائه هنرمندهان افکارشان را داشتند، در آن صورت هنرمند بودند.

آنچه علاوه بر اینها، پراهمیت به نظر می‌رسد، این است که رشد فرهنگی از آنجا که بر بنس‌تر رشد موجود حاصل می‌شود، امکان اینکه بتوانیم در مسیر آن اندیشمندان و هنرمندان وجود دیگر بهره ببریم، تقریباً وجود ندارد، بلکه این اندیشمندان و هنرمندان هستند که می‌بایست یافته‌های دنیا را ببخشند و با شناخت کاملی که از فرهنگ جامعه دارند، به نسخه‌های بومی رشد فرهنگی برسند. به هیچ عنوان منظور این نیست که ارزش هر هنر و اندیشه جهانی را زیر سؤال ببریم که این در حکم زیر سؤال بردن عقل گوینده خواهد بود، بلکه منظور این است که نسخه خودی ما با اقتاد کامل برای رشد فرهنگی ما در جایی خارج از جامعه خودمان ساخته نخواهد شد؛ چرا که دیگران نه در این فضای فرهنگی رزسته‌اند، نه دیرپاراش فکر و تفکر کرده‌اند و علاوه بر این، انگیزه خاصی هم برای رشد ما با وضع زندگی ما هم‌خوانی

نظرها و اندیشه‌ها

اساسی‌ترین دغدغه‌های معترضان ضدجهانی‌سازی چیست؟ فقیرشدن جهان در حال توسعه. معترضان به نکات مهمی اشاره می‌کنند: برای مثال، القای سبک غربی حمایت از مالکیت معنوی در کشورهای در حال توسعه می‌تواند به فقرآ آسیب برساند؛ همان‌گونه داروهای ابدزه با وجود این، آیا مردم فقیر دنیا قربانی جهانی‌سازی هستند؟ چرا کشورهای در حال توسعه می‌تواند به فقرآ آسیب دینبا (۲/۸ میلیارد نفر) با درآمد کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند. این واقعیت صریح و شروآور همان چیزی است که باعث خشم تظاهرکنندگان در سیاتل شد. مسائلی مانند کودکان کار، کارگاه‌های قدیمی غیراستاندارد و مشکلات محلیزستی تا ناپدید شدن فقر شدید از بین نخواهد رفت.

شکاف بین کشورهای غنی و فقیر بسیار زیاد است. درآمد متوسط در چین تقریباً یک‌دهم درآمد متوسط ایالات متحده است. در هند، این مقدار به

مبارزان ضد فقر

جان مک میلان

بخش اول



یک‌چهاردهم می‌رسد. به عنوان یک نمونه جدی، این نسبت در تانزانیا یک‌ششم است. یک آمریکایی معمولی در کمتر از یک هفته، بیش از مقداری که یک تانزانیایی در طول یک سال با مشقت فراوان می‌مقصر بود. جهانی‌سازی به معنی کار سخت و طولانی کودکان بنگلادشی برای تولید توپ فوتبال، و به معنی توپک شلوپ‌لرهای چپ مُد روز به دست زنان السالوادوری در کارگاه‌های قدیمی فاقد شرایط مناسب و تولید فکشهای ورزشی به دست کارکنان اندونزی در کارخانه‌های گرم و بدون هوایرک بود در حالی که بخار سمی حاصل از چسب اشتقاق می‌کردند. به گفته وادانا شیشوا «شغل هند – جهانی‌سازی» نوع جدیدی از استثمار شرکتی است که به جان کشورهای فقیر و مردم فقیر در کشورهای ثروتمند افتاده است.»

جهانی‌سازی از ارتباط نزدیک بازارهای جهانی نشأت می‌گیرد که به مرور زمان نزدیک‌تر نیز می‌شوند. تحولات فناوری، عامل اصلی جهانی‌شدن اقتصاد بوده است. کشتی‌های باربری و جمیوحت‌ها در حالی که بخار سمی حاصل از چسب اشتقاق می‌کردند، به گفته وادانا شیشوا «شغل هند – جهانی‌سازی» نوع جدیدی از استثمار شرکتی است.

هزینه حمل و نقل کالا را بسیار کاهش داده‌اند. امروزه کابوهای شش‌پایه پولور را درفاصله انتقال می‌دهند. تغییر در سیاست‌ها، از جمله لغو محدودیت‌های تجاری و موانع سرمایه‌گذاری خارجی و در سرانسر جهان در شکل‌گیری این فرایند سهم به سزایی داشته است. جهانی‌سازی حتی شیوه‌ای که مخالفان آن خود را سازمان‌دهی می‌کنند تغییر داده است: اینترنت آنها را از طریق سایت‌ها به هم مرتبط می‌کند.

اندیشمند، هنر مند، فرهنگ رشد فرهنگی

مهندس امیررضا پوررضایی بخش دوم و پایانی



کافی دارد یا خیر، فرهنگ رشد فرهنگی است. فرهنگ‌ای که ما همه آن نیست. این فرهنگ یک بخش بود که بسیار پراهمیت نیز دارد. زمانی که ما با رصمد زندگی خودمان متوجه شدیم که بین زندگی ما و فرهنگ ما در جاهایی علم تطابق نداریم، به فرهنگ خودش تهیه کرد. هنر و اندیشه سایر جوامع، عینکی است که برای خودشان و در یک زمان مشخص تهیه کرده‌اند و ممکن است برای ما هم دیدی بهتر از قبیل فراهم کند، ولی ما برای رسیدن به دید کامل، باید نسخه خودمان را داشته باشیم و از عینک خودمان استفاده کنیم.

فرهنگ رشد فرهنگی

چگونه تقویت می‌شود
تا حدی به ایمن موضوع پرداختیم که رشد – توسعه فرهنگ یک موضوع خاص می‌شود، اما لازم است کمی بیشتر بپردازیم اینکه فرهنگ رشد فرهنگی چیست تا بهتر معلوم شود که است که بر عهده فرهنگ رشد فرهنگی می‌ماند. مثال می‌تواند در اینجا برای توضیح کمک باشد. فرهنگ رشد فرهنگی در خانه خودمان نشسته‌ایم و بلند می‌شویم سر و سامانی به

می‌کردند. در سال ۲۰۰۰، این نسبت به یک‌دهم درآمد رسید). مردم دای در ایالات متحده و اروپای غربی، امروزه از لحاظ وسایل زندگی از کسانی که پس از قرن بیستم بسیار ثروتمند دانسته می‌شدند، وضعیت بهتری دارند.

خبر خوب این است که وضعیت اکثر مردم دنیا، نه فقط کسانی که در غرب زندگی می‌کنند، دانما در حال بهتر شدن است. اقتصاد بیشتر کشورها، فقیر چه غنی، غالباً در حال رشد است. برای مثال، هند به آرامی آا پیوسته دو فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ رشد کرده است (در حدود ۵/۵ درصد رشد سرانه حقیقی) و در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی رشد سریعتری را (در حدود ۴ درصد) تجربه کرده است. در نتیجه شرایط زندگی مردم هند در سال ۲۰۰۰، به طور متوسط بیش از دوبرابر بهتر از شرایط زندگی در سال ۱۹۵۰ شده است.

با وجود اینکه اکثر کشورها در حال رشد هستند، این رشد نامتوازن است. اکثر کشورهایی که در شروع قرن بیستم به نسبت ثروتمند بودند، به رشد خود ادامه داده‌اند. کشورهای که با فقر، رشد را شروع کردند، از الگوهای رشد کاملاً متفاوتی پیروی کرده‌اند. بعضی از آنها خیلی سریع رشد کرده‌اند و بسیاری دیگر رشد کنواختی داشته‌اند؛ اما بعضی از فقیرترین کشورها یا اندکی رشد کرده‌اند یا اصلاً رشدی نداشته‌اند. نابرابری موجود بین کشورها نتیجه نرخهای متفاوت رشد در گذشته است. کشورها به این دلیل فقیرند که برای دوره‌ای طولانی به آرامی رشد کرده‌اند یا اصلاً رشد نداشته‌اند. کاستن از نابرابری‌های جهانی مستلزم افزایش سرعت رشد کشورهای فقیر است.

این کار انجام‌شدنی است. «برهای آسیایی» (هنگ‌کنسگ، کرهٔ جنوبی، سنگاپور و تایوان) و همچنین بوسنونا موفقیت‌ها را خودر توجیه به دست آورده‌اند. آن ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، درآمد سرانه سالانه این پنج کشور با نرخ ۶ درصد یا بیشتر رشد کرده، که به این معناست که درآمد مردم در هر ۱۲ سال دوبرابر شده است. در سال ۲۰۰۰، درآمد سرانه در بوسنونا هفت‌برابر بیشتر از مقدار متوسط در جنوب صحرای آفریقا بود. بوسنونا مالک معادن غنی الماس است اما رشد اقتصادی بالا ناشی از خوش‌اقبالی داشتن منابع طبیعی غنی نبوده است؛ زیرا کشورهای دیگری که از نظر منابع معدنی غنی هستند، در تحقق هدف افزایش رشد شکست خورده‌اند.

توانایی رشد بالا با مثال سنگاپور مشخص می‌شود. در اواسط دهه ۱۹۶۰، متوسط درآمد مردم سنگاپور ۵۰۰ دلار آمریکا بود. آیندهٔ کشور، چه در زمینهٔ سیاسی چه اقتصادی، تیره و تار به نظر می‌رسد. سنگاپور به‌تازگی از فدراسیونی که با خطر مازای تشکیل داده بود، خارج شده بود و با خطر گرفتاری کمونیستی روبرو بود. این کشور از منابع طبیعی بی‌بهره بود و بخش صنعت کوچک‌کی داشت. سنگاپور با غلبه بر اوضاع نامساعد رشد اقتصادی را آغاز کرد و به شکوفایی واقعی رسید. تا سال ۲۰۰۰ درآمد ملی سرانهٔ این کشور به بیش از ۳۰هزار دلار افزایش یافت و این کشور به سطح درآمدی ثروتمندترین کشورهای جهان رسید. نخست‌وزیر سنگاپور، گو چوک تونگ با افتخار گفته است: «ما با هیچ این همه راه را آمده‌ایم!»

در بسیاری از کشورهای فقیر در طول زمان از میزان فقر تنه‌ا شده، اما بسیار آهسته‌تر از سنگاپور. در عین حال درآمد سرانه در برخی از فقیرترین کشورهایمانند گویانا، چاد، مالی و زامبیا، در طول زمان ثابت کرده است. بناباید به تأثیرات رشد اقتصادی در کشوری فرضی نگاه کنید. بنابراین، به هر می‌رود! آیا رشد برای فقر واقعی در پی دارد یا بهره می‌برد؟ سود ثروتمندان است، یعنی اگر رشد فقر کاهش یابد به تأثیرات رشد اقتصادی واقعیت‌هاست. باید به آمار توجه کرد.

یکی از دستاوردهای اصلی اقتصاد مدرن، اصلاحاتی است که در روش‌های ایجاد شده و محدودهٔ فضوات را کوچک‌تر کرده است. درک بهتر از رشد اقتصادی یکی از نتایج بهبود تولید آامری است. مجموعهٔ وسیع داده‌ها که تعداد زیادی از کشورها را در طول سال‌های طولانی پوشش می‌دهد (و نشان‌دهندهٔ نرخ‌های رشد، سطوح سرمایه‌گذاری، میزان تنه‌ا در مدارس، میزان باری، شاخص‌های فساد و حاکمیت قانون، میزان فقر و غیره است)، جورج آرمی تسنده تا پدیده‌های عملکرد اقتصادی را نشان دهد. اکنون بگردیم که داده‌ها در خصوص تأثیر رشد بر فقر چه می‌گویند.

توزیع متوازن منافع حاصل از ده‌های افزایش درآمد ملی، به این معناست که هر فرد در کشور به همان اندازه درآمد اضافی کسب می‌کند، اما نیازی نیست منافع حاصل از رشد به‌طور مساوی میان مردم توزیع شود. به‌عنوان مطالعهٔ تأثیر رشد بر سطح زندگی مردم، اقتصاددانان از دو مقیاس متمایز استفاده می‌کنند: «فقر» و «نابرابری» در مقیاسی مطلق است: تعداد افرادی که کمتر از حداقل مورد نیاز برای تأمین مایحتاج اصلی مانند غذا و سرپناه درآمد دارند. نابرابری مقیاسی نسبی است و وسعت شکاف بین فقیر و غنی.

ادامه دارد

اگر حلقه‌های رشد فرهنگی را به «اندیشمند، هنرمند» و «جامعه» بدویم، این سه حلقه به ترتیب متناهی می‌شوند که میان زندگی آنها با فرهنگ مسلط در ذهشان فاصله یا حتی شکاف‌های ایجاد شده و وقتی بر اساس فرهنگ موجودشان رفتار می‌کنند در بعضی موارد، زندگی بی مسئله و تلخ‌بخش ندارند. در این وضعیت که اندیشمندان فعال می‌شوند و به دنبال چپستی و چرایی این شکاف‌ها و چگونگی رشد و توسعه فرهنگی برای پر کردن آن می‌روند.

هنرمندان باید فرهنگ را به شکل فکری و فرهنگی می‌روند تا این پرسش‌ها را پاسخ‌ها را در کارهای هنری خود بیاورند. و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند، به کار ببندد و اگر خوب تشخیص دهد، فرهنگش را به آن وسیله رشد و توسعه دهد. در صورت متابعتی در دختر هشتاد و نه ساله تحصیل و کار می‌کنند. در مثال اول زندگی بر اساس فرهنگ رایج بود در مثال دوم فرهنگ را با تجربه دیگران در فرهنگ بر اساس زندگی. تشخیص اینکه در هر کجا به هر فرهنگ می‌رسیم یک بهنج مریض خوب است. کار کردن زیاد خوب و بدنه جامعه متوجه می‌شود که نیاز به رشد فرهنگی دارد و پذیرش ذهنش بسلا می‌یورد تا آنچه از محیط در قالب‌های هنری دریافت‌کرده سنجه کند

۲۴ نفر در رابطه با حفاری‌های غیر مجاز در همدان دستگیر شدند

همدان – خبرنگار اطلاعات: فرمانده یگان حفاظت میراث فرهنگی استان همدان گفت: یک ماه گذشته ۲۴ نفر در رابطه با حفاری‌های غیرمجاز و اشیاء تاریخی در استان دستگیر شدند. حاجی عزیزی گفت: عوامل یگان حفاظت در شهرستان‌های همدان، نهاوند و بهار در پیگیری اخبار واصله مبنی بر حفاری غیرمجاز پس از رصد اطلاعاتی و اطمینان از صحت خبر، طی عملیات‌های جداگانه به همراه عوامل نیروی انتظامی به محل‌های گزارش شده اعزام و موفق به دستگیری ۱۱ نفر و کشف و ضبط آلات و ادوات حفاری از قبیل پیل و کلنگ، پیکور برقی، دزپر، موتور برق، کابل برق شدند. در شهرستان رزن نیز در یک عملیات مشترک یگان حفاظت و نیروی انتظامی ۱۱ نفر در حال انتقال یک قطعه سنگ قدیمی سربازگری برخوردر قانونی به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

کشف ۳۵۵ تن آجیل قاچاق در همدان
* فرمانده انتظامی همدان گفت: انبار حاوی ۳ تن و ۶۲۰ کیلوگرم آجیل خارجی و قاچاق در این شهرستان کشف و انبار آن، دستور قضایی پلمب شد. همچنین باقری اظهار کرد: ماموران گشت یگان امداد حین گشت زنی در یکی از مناطق شهر به یک دستگاه سواری پژو ۴۰۵ مشکوک شدند که راننده آن با مشاهده ماموران از محل متواری شد که با انجام گشت‌های پلیسی، خودرو متوقف و در بازرسی از آن ۱۶ کیسه گردو و ۳ کیسه بادام قاچاق خارجی کشف شد. ماموران از این انبار انواع آجیل از قبیل بادام زمینی، تخمه کدو، تخمه آفتابگردان و جوهر لیمو خارجی و قاچاق را کشف کردند.

پلمب ۱۱ مجتمع آبدردمانی در مشکین شهر اردبیل به نام ده قاجاق:حکام پلمب ۱۱ مجتمع آبدردمانی درشهرستان مشکین شهر درپی شکایت شرکت آب منطقه‌ای استان اردبیل به دلیل عدم پرداخت آب بها صادر شد

داستانان شهر در پی شکایت آب بها گرفته: دستور جلوگیری از کار مجتمع های پلمب شده دلیل عدم انتقادفرادادوام پرداخت آب بهاای مصوب شده و درخواست شرکت آب منطقه ای استان اردبیل صادر شده است.
طاهر موسوی اظهارداشت: کارشناسان سازمان تعیین کرده بودند که باکاشی قیمت از ۱۰۰ میلیون به ۲۵ میلیون تومان رضایت مالکان آب های گرم شهرستان مشکین شهر را برآورده سازند ولی با وجود کاشش قیمت بازهم مبلغ مصوب شده که حق و حقوق دولتی محسوب می شود از سوی مالکان پرداخت نشد.

کشف انبار دوپو سیکار و قهوه قاچاق در دزفول

دزفول – خبرنگار اطلاعات: سرپرست فرمانده انتظامی دزفول از کشف انبار دوپو سیکار و قهوه قاچاق به ارزش ۸۰۰ میلیون ریال در این شهرستان خبر داد.

سرهنگ حسین عیسی گفت: در راستای طرح های مبارزه با قاچاق کالا و در پی یک خبری مبنی بر نگهداری مخایر زیادی سیکار و قهوه خارجی قاچاق در یکی از مناطق دزفول، موضوع بصورت ویژه در دستور کار ماموران انتظامی قرار گرفت.وی افزود: ماموران کالتری ۱۹با تحقیقات تخصصی و اطلاعاتی انبار دوپو را شناسایی کردند و با هماهنگی مرجع قضایی از محل میل ۴۴ هزار و ۷۸۰ نخ سیکار و یک هزار و ۳۸۰ کیلوگرم قهوه قاچاق کشف شد. وی با بیان اینکه انبار مذکور پلمب شده است، ادامه داد: کارشناسان ارزش انبار کالای کشف شده را ۸۰۰ میلیون ریال برآورد کردند. سرپرست فرمانده انتظامی دزفول در پایان اظهار داشت: در این رابطه ۲ متهم دستگیر و پس از تشکیل پرونده تحویل مرجع قضایی داده شدند.

۲ کارمندمتخلف جهاد کشاورزی

سیستان و بلوچستان، دام قاچاق می کردند

زاهدان – خبرنگار اطلاعات: دادستان عمومی و انقلاب زاهدان از دستگیری دو نفر از کارمندان جهاد کشاورزی سیستان و بلوچستان در رابطه با قاچاق سازمان یافته دام خبرداد.حجت الاسلام علی مودی راد در جمع خبرنگاران اظهار داشت: این افراد یک تسمک دلالان افتاده به واردات دام زنده از کشورهای همسایه می کردند که این قاچاق سازمان یافته دام به موضوع قاچاق در دیگر نقاط کشور متفاوت است چرا که در مناطق دیگر مانند از کشور خارج می شوند اما در سیستان و بلوچستان دام به طور غیر قانونی وارد می شود.او گفت: این دو کارمند جهاد کشاورزی در اختیار آنان قرار می دادند حیوانات قاچاق را بدون معاینات بهداشتی و کنترل‌های لازم به دیگر مناطق کشور ارسال می کردند.

نیازمند بهای اطلاعات

پایمهای شخصی

کد ۱۷۰۰

پایمهای شخصی

گمشده

کارت هوشمند اتندهه شماره ۴۴۵۰۴۴

مهرور از کانی فرزند محمدتعالی شماره ۱۳۴۵۰۴۴۸۸

مفقود و فاقد اعتبار میباشد. (بندرکت)

برگ گیمپانی و سند مالکیت خودرو سواری پژو تیپ بی اس

برگ تفره ای متالیک مدل ۱۳۸۹

به شماره ۱۳۸۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

۴۵ شهریور ۱۳۹۹

برگ سبزی سواری پژو

۵ شهریور ۱۳۹۹

اخبار کوتاه داخلی

خط خوردن ر حیمی و حسین خانی از اردوی تیم کشتی آزاد
اردوی تیم ملی کشتی آزاد بزرگسالان ایران در حالی از دیروز آغاز شدکه غلامرضا محمدی از دعوت حسن رحیمی و مصطفی حسین خانی خودداری کرده است.به گزارش ایسنا این اردو در حالی برگزار می‌شود که کادر فنی تیم ملی از دعوت مصطفی حسین‌خانی دارنده مدال برنز جهان در وزن ۷۴ کیلوگرم و حسن رحیمی دارنده مدال‌های طلای جهان و برنز المپیک در وزن ۵۷ کیلوگرم خودداری کرده است.حسین‌خانی در جام دان‌ک洛夫 توانست رضایت کادر فنی تیم را جلب کند و به عنوانی بهتر از پنجمی نرسید. حسن رحیمی نیز چند روز مانده به اعزام به جام دان ک洛夫 اقدام به ترک اردوی تیم ملی کرد و حاضر نشد در این جام کشتی بکشد.

رستمی قهرمان دسته ۹۶ کیلوگرم جام فجر شد

کاپوش رستمی موفق شد در غیاب سهراب مرادی با ثبث رکورد مجموع ۳۹۲ کیلوگرم در رقابت‌های بین المللی جام فجر به عنوان قهرمانی دست یابد.به گزارش خبرنگار مهر، سهراب مرادی بین الملی وزنه برداری جام فجر با حضورمدیغان دسته ۹۶ کیلوگرم در تهران پیگیری کرد

در حالی که سهراب مرادی اعلام قبلی وزنه نزد در ادامه کاپوش رستمی دیگر نماینده کشورمان به روی تخته رفت و با رکورد ۱۷۲ یک ضرب، ۲۲۰ دوزرب و مجموع ۳۹۲ کیلوگرم ششدر این اسان نرفت برتر دسته ۹۶ کیلوگرم به شرح زیر مشخص شدند:۳۹۲ کیلوگرم رستمی از ایران با رکورد ۱۷۲ یک ضرب، ۲۲۰ دوزرب و مجموع ۳۹۲ کیلوگرم اسه مدال طلا)–۳۰۰ ادیمز از لیبی با رکورد ۱۶۰ یک ضرب، ۲۰۲ دوزرب و مجموع ۳۶۲ کیلوگرم (۳ مدال نقره)–۲۰۰ بورگن از المان با رکورد ۱۶۰ یک ضرب، ۱۹۵ دوزرب و مجموع ۳۵۵ کیلوگرم (۳ مدال برنز)

داورزنی: برخی از صحبت‌ها من دچار سوءتفاهم شده‌اند

معاون فدراسیون وزارت ورزش و جوانان گفت: در خصوص پاداش قهرمان هر تعهدی داریم، انجام می‌دهیم.به گزارش خبرنگاری فارس و به نقل از پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان، محمدرضا داورزنی معاون قهرمانی وزارت ورزش و جوانان درباره تعابیری که از سخنان وی درباره پشاداش قهرمان و مدال آوران بوجود آمده، گفت: هر تعهدی که مطابق آیین نامه پاداش قهرمان بر عهده ما باشد آنجا می‌دهیم و مشکلی از بابت انجام آن نداریم. برخی از قهرمانان و مربیان عزیز ملی از سخنان من دچار سوءتفاهم شدند و همین جاعال می‌کنم همه ما یک خانواده هستیم و در کنار هم برای شایستگی مردم تلاش می‌کنیم.هیچ مشکلی برای پاداش سکه ای بازیهای آسیایی و پاراآسیایی جاکارتا نداریم و انشاءالله با تأمین منابع به سرعت انجام می‌شود.

حادثی:ولیکین زمانوقت در اختیارم نیست

رکورد بازی‌های آسیایی گفت: با توجه به حضور ورزشکاران چینی مک‌کولیکز آمریکایی دانی نئی‌تواند مانند گذشته تمام تمرکزش را روی من بگذارد.احسان حادادی در گفتگو با خبرنگار ورزشی خبرگزاری فارس، در مورد اردویش در آمریکا و نحوه تمریناتش اظهار داشت: چند هفته است که تمرین در آمریکا زیر نظر مک‌کولیکز آغاز شده و به خوبی پیش می‌رویم. موضوعشالک که توانستم با این مربی آمریکایی کار کنم چون چهرهای زیادی از او یاد گرفتم و احساس راحتی می‌کنم. قهرمان پرتاب سگه‌های آسیایی در مورد اینکه به تنهایی تمرین می‌کند یا ورزشکاران دیگری به هشتک با من هم رفت، با توجه به اینکه این مربی با چینی‌ها هم قرارداد دارد، در حال حاضر ۷ پرتابگر چینی هم هم‌زمان با من تمرین می‌کنند. تعداد ورزشکاران زیاد شده و این مربی مانند سابق نمی‌تواند تمام تمرکزش را روی من بگذارد و قطعا با این شرایط کیفیت کار یک مقدار پایین می‌آید اما به هر حال فعلا با این شرایط ادامه می‌دهیم.

قاسم کیانی– هنوز خاطره بازی‌ها با لیگ قهرمانان آسیایا دوره گذشته و بازی‌های خوب نمایندگان کشورمان در آن مسابقات و بخصوص موفقیت‌های ارزشمند سرخپوشان پایتخت علی‌رغم تمام محدودیت‌هایی که به آن مواجه بودند، تمام نشده قطار لیگی دیگر از دیروز به راه افتاد در حالی که ایران فقط سه نماینده شایسته دارد. پرسپولیس، استقلال و ذوب‌آهن که در این میان جای باران علی دایی هم خالی است و به‌واقع آنان هم شایستگی حضور در لیگ قهرمانان آسیا را داشتند اما چه کنیم که از این به بعد باید با سهمیه ۲+۲ ایران در این مسابقات بسازیم و به این ترتیب، سرنوشت دو تیمی که باید در مسابقات پلی‌آف برای قرار گرفتن در جمع تیم‌های مرحله گروهی شرکت کنند همشده در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد داشت.

در این شرایط که به نظر می‌رسد برای فوتبال ایران چندان هم متصفانه نیست پرسپولیس و استقلال به‌طور مستقیم وارد شدند و ذوب‌آهن اصفهان هم با موفقیت در مرحله پلی‌آف به این قطار رسید. سه تیمی که دو مربی خارجی دارند و یک مربی ایرانی، برانکو ایوانکوویچ و وینفرشفر مربیان خارجی سرخپوشان و ای‌پوشان پایتخت هستند و طلیس‌رضا منصوریان تنها مربی ایرانی در این جمع، تیم نصف‌جهانی را هدایت می‌کند. مربی‌ای که سابقه حضور در استقلال را هم داشت و مدتی است به ذوب‌آهن اصفهان پیوسته و با بازی‌های شایسته در مرحله پلی‌آف امیدهای زیادی را برای دیار زاینده‌رود، زنده کرد.

مصرف‌ورسان که با ذوب‌آهن در گروه A با الزورا عراق، النصر عربستان و الوصل امارات همگروه است با اتنازی که در حریف عراقی خود داشت، روز گذشته به مصاف الزورا رفت و استقلال هم امروز باید به مصاف الدحیل قطر برود. مصاف الدحیل قطر برود. استقلال که سابقه چندین و چندباره بازی کردن با تیم‌های قطری را دارد و قطعا کارش راحت نیست هر چند که ششفر آلمانی در هفته‌های اخیر به آنتخان نتایج درخشانی در لیگ برتر ایران رسیده که طرفداران استقلال، امیدواری‌های زیادی به تیم خود دارند. البته استقلال در دوره گذشته لیگ قهرمانان هم خوش درخشیدند و بسپار پرتالاش ظاهر شد که با روند به به رشد داشته‌های اخیرش، می‌تواند عملکردی بهتر از گذشته‌ها داشته باشد و مثل همیشه نماینده‌ای شایسته برای فوتبال ایران باشد و اعتمادمنده به فوتبال را با نتایج خوب، خوشحال کند. استقلالی‌ها در گروه C با الدحیل، العین و الهلال عربستان همگروه هستند. استقلالی‌ها بازی اول باید در قطر به مصاف حریف خود بروند.

اما سوت آغاز بازی‌های سرخپوشان پایتخت هم از امروز به صدا در می‌آید و در اولین دیدار باید به مصاف پاختاکور ازبکستان بروند. برانکو با تیم پرسپولیس در دوره گذشته، یکی از بهترین نتایج ممکن را به‌دست آورد و اگرچه نهایتا دشتش از رسیدن به جای قهرمانی کوتاه ماند اما با مشکلات ریز و درشتی که فصل قبل پرسپولیس‌ها با آن روبرو بودند، بازی‌قهرمانی به‌کمی از قهرمانی نداشت هر چند که لذت قهرمانی آن هم در ورزشگاه آزادی تهران، لذتی دیگر داشت. جامی که به شایسته‌ترین تیم آسیا یعنی کاشیما آنتلرز رسیده که به‌واقع هیچ‌کدام از مشکلاتی را که سرخپوشان پشت سر گذاشته بودند، تجربه نکرده و بدون کوچکترین دغدغهای تا فینال آمده بود و با این وجود پرسپولیس‌ها در فینال هر آنچه که در حته داشتند را رو کردند. اما به جام نرسیدند در حالی که اعتمادمنان به فوتبال و پرسپولیس تلاش‌های بازیکنان و کادر فنی را ستوندند و با درک شرایط این تیم برای ایاب‌قهرمانی سرخپوشان پایتخت ارزش و احترامی ویژه قائل شدند. در هر

آغاز به کار نمایندگان شایسته ایران در لیگ قهرمانان آسیا



حال زنگ آغاز فصلی دیگر از لیگ قهرمانان آسیا برای نمایندگان شایسته کشورمان به صدا درآمد و دوستانداران به فوتبال از دیداری خود حمایت کرده و منتظر نتایج ارزشمند آنان، می‌مانند.

تیم پرسپولیس امروز ساعت ۱۸/۳۰ دقیقه در استادیوم آزادی تهران میزبان پاختاکوراست و استقلال هم در ورزشگاه لخوا قطر از ساعت ۱۸/۴۵ به مصاف الدحیلی می‌رود که ممکن است المعزعلی آقای گل آسیا را به جهت مصدومیت در اختیار نداشته باشد. از آنجا که اولین بازی استقلال با یک تیم قطری است اشاره به سوابق بازی‌های پرشمار آبی‌ها مقابل تیم‌های قطری قطعاً برای هواداران این تیم خالی از لطف نیست.

تیم فوتبال استقلال تاکنون ۲۳ بار با تیم‌های قطری دیدار داشته است که نتیجه اکثر این دیدارها به سود

آبی پوشان بوده است. جالب اینکه اولین گلزن قطری‌ها هم یک ایرانی بوده است.

به گزارش خبرنگار مهر، تیم فوتبال استقلال تهران از اولین هفته لیگ قهرمانان آسیا باید با الدحیل در دوچه دیدار کند که این نخستین تقابل دو تیم در تاریخ دیدارهای تیم‌های ایرانی قطری می‌باشد. استقلال‌ها تاکنون ۲۳ بار با تیم‌های قطری دیدار داشته اند که هرگز الدحیل در بین حریفان آسیایی آبی پوشان نبوده است.استقلال در تاریخ تقابل با تیم‌های قطری با ۴ تیم، السد، الریان، الغرافه و ام صلال دیدار داشته است و الدحیل پنجمین تیم قطری است که برابر استقلال بازی خواهد کرد. در این میان السد با ۱۰ بازی مقابل استقلال بیشترین بازی با آبی پوشان را دارد، الریسان با ۹ بازی، الغرافه به همراه ام صلال با ۲ بازی دیگر تقابل‌های تیم‌های قطری با استقلال را تشکیل می‌دهند.

تیم فوتبال السد که در مجموع ۸ بار با آبی‌ها بازی داشته است، اولین تیم قطری است که استقلال با سابقه بازی برابر آن را دارد. استقلال و السد در مرداد سال ۱۳۶۹ در قطر به دیدار هم رفتند که آن دیدار با نتیجه مساوی یک-یک خاتمه یافت تا اولین دیدار آبی پوشان و قطری‌ها برابر استقلال نداشته باشد. در حالی اولین گلزن استقلال به تیم‌های قطری عبدالصمد مروای است که اولین گلزن تیم‌های قطری به استقلال هم یک بازیکن ایرانی از قضا یک استقلالی است. مجید نامجو مغلق که در سال ۶۹ لیونر ایرانی تیم السد بود، در دیدار فوق زنده تکت گل تیم السد مقابل استقلال بود تا نام وی بعنوان اولین گلزن یک تیم قطری به استقلال در تاریخ ثبت شود.

پر گل ترین بازی استقلال مقابل یک تیم عربی ۶ گل داشت، اما برنده نداشت. شانزدهمین دیدار آبی پوشان و قطری‌ها در سال ۱۳۹۱ اتفاق افتاد و حریف تیم ایرانی در این بازی، الریان بود. آبی پوشان در این بازی عجیب در نهایت به تساوی ۳-۳ رسیدند تا این پر گل ترین بازی استقلال با یک تیم قطری باشد. جی لوید ساموئل، آرش برهانی و جواد نکونام گلزنان تیم استقلال در آن بازی بودند. این بازی در ۹ اسفند ۹۱ در قطر برگزار شد.

آبی پوشان ۳ بار توانسته‌اند تیم‌های قطری را با نتایج ۳ بر صفر شکست دهند که اینها بهترین نتایج آبی پوشان مقابل تیم‌های قطری می‌باشد.نهمین دیدار استقلال مقابل یک تیم قطری دوم اردیبهشت سال ۸۸ بین آبی پوشان و الغرافه در ورزشگاه آزادی بود که استقلال با ۲ گل در فرهاد مجیدی و یک گل پژمان منتظری با نتیجه ۳ بر صفر پیروز شد.آبی پوشان یکبار هم در ۱۳ اردیبهشت سال ۹۱ توانستند با همین نتیجه الریان را مغلوب کنند. در این بازی هم آرش برهانی ۲ گل و اسماعیل شریفات یک گل زدند.

استقلالی‌ها به فاصله یک سال بعد بار دیگر الریان را با همین نتیجه در ورزشگاه آزادی مغلوب کردند و اینبار فرهاد مجیدی، هاشم بیگ زاده و آرش برهانی گلزنی کردند.

سنگین‌ترین و تلخ‌ترین شکست آبی پوشان در دیدار شماره ۲۲ آنها با یک تیم قطری اتفاق افتاد. دیداری که زمان زیادی هم از آن نمی‌گذرد.آبی پوشان در دیدار فوق هر حمله یک چهارم نهایی فصل گذشته لیگ قهرمانان آسیا مقابل السد در ورزشگاه آزادی قرار گرفتند که در دیداری عجیب با نتیجه ۳ بر یک بازی را به حریف واگذار کردند.

آبی پوشان در مجموع ۲۳ بار برابر تیم‌های قطری به میدان رفته‌اند که حاصل این ۲۳ بازی ۱۳ پیروزی برای استقلال، ۳ پیروزی برای تیم‌های قطری و ۸ مساوی می‌باشد. این آ ن توضیح که یکی از پیروزی‌های آبی پوشان با حکم ضربات پانتی به دست آمده است، در این تعداد بازی استقلالی‌ها ۳۷ گل زده‌اند و تیم‌های قطری ۲۲ بار دروازه آبی پوشان را باز کرده‌اند. بهترین گلزن استقلال به تیم‌های قطری فرهاد مجیدی با ۶ گل زده است. بعد از مجیدی نیز آرش برهانی با ۵ گل زده دومین گلزن آبی پوشان به این تیم‌ها می‌باشد.صمد مروای، علی سامره و بوکرکه هر کدام با ۲ گل دیگر گلزنان برتر استقلال به تیم‌های قطری هستند.

دیدار شماره ۱؛ السد یک – استقلال یک

تاریخ ۱۳۶۹/۰۵/۰۵ گلزن استقلال: صمد مروای
دیدار شماره ۲؛ استقلال یک – السد صفر
تاریخ ۱۳۶۹/۰۵/۱۲ گلزن استقلال: صمد مروای

دیدار شماره ۳؛ السد صفر – استقلال یک
تاریخ ۱۳۷۹/۰۸/۱۳ السد گلزن استقلال: علی سامره
دیدار شماره ۴؛ استقلال ۲ – السد یک
تاریخ ۱۳۷۹/۰۸/۲۷ گلزنان استقلال:فرزاد مجیدی و علیرضا واحدی نیکبخت

دیدار شماره ۵؛ استقلال ۲ – الریان یک
تاریخ ۱۳۷۹/۰۹/۲۹ گلزنان استقلال: عبدالعلی چنگیز و عباس سرخاب
دیدار شماره ۶؛ استقلال ۲ – السد یک
تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۸ گلزنان: علی سامره و رسول خطیبی

دیدار شماره ۷؛ ام صلال یک – استقلال صفر
تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱۸
دیدار شماره ۸؛ استقلال یک – ام صلال یک
تاریخ ۱۳۸۰/۰۷/۰۲ گلزن استقلال: آرش برهانی
دیدار شماره ۹؛ استقلال ۳ – الغرافه صفر
تاریخ ۱۳۸۹/۰۱/۰۳ گلزنان استقلال:فرهاد مجیدی (۲) و پژمان منتظری

دیدار شماره ۱۰؛ الغرافه یک – استقلال یک
تاریخ ۱۳۸۹/۰۱/۱۱ گلزن استقلال: مهدی مدی صالحی
دیدار شماره ۱۱؛ استقلال یک – السد یک
تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۰۱ گلزن استقلال: فرهاد مجیدی

دیدار شماره ۱۲؛ السد ۲ – استقلال ۲
تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۳ گلزن استقلال: فرهاد مجیدی
تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۶ گلزن استقلال: گوران پروکویچ

دیدار شماره ۱۴؛ استقلال ۳ – الریان صفر
تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ گلزنان استقلال: آرش برهانی (۲) و اسماعیل شریفات

دیدار شماره ۱۶؛ استقلال ۳ – الریان صفر
تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۳ گلزنان استقلال:فرهادمجیدی، هاشم بیگ زاده و آرش برهانی
دیدار شماره ۱۶؛ استقلال ۳ – الریان ۳
تاریخ ۱۳۹۱/۰۲/۰۳ گلزنان استقلال: جی لوید ساموئل، آرش برهانی و جواد نکونام

دیدار شماره ۱۷؛ الریان یک – استقلال صفر
تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۴
دیدار شماره ۱۸؛ استقلال ۳ – الریان یک
تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۳ گلزنان استقلال: بوکرکه (۲) و محمد قاضی

دیدار شماره ۱۹؛ استقلال صفر (در ضربات پنالتی
تاریخ صفر (در ضربات پنالتی (۳

دیدار شماره ۲۰؛ الریان ۲ – استقلال ۲
تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۴ گلزنان استقلال: علی قربانی و گل به خودی

دیدار شماره ۲۱؛ استقلال ۲ – الریان صفر
تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳ گلزنان استقلال:سرور جبارف و وریا غفوری

دیدار شماره ۲۲؛ استقلال یک – السد ۳
تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۵ گلزنان استقلال: گل به خودی

دیدار شماره ۲۳؛ السد ۲ – استقلال ۲
تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۶ گلزنان استقلال: مرتضی تبریزی و روح الله خدایی

سامانی همچنین از تصویب دیگر پیشنهاد وزارت کشور مبنی بر اختصاص ۳۷ میلیارد ریال به استان اردبیل برای جبران خسارت و بازسازی ساختمان‌ها و تأسیسات زیربنایی خسارت دیده ناشی از وقوع طوفان و فرونشست زمین و سیلاب‌های فصلی خبر داد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد. وی تأکید کرد: طبق مصوبه هیأت وزیران اعتباری بالغ بر ۳۰ میلیارد و ۳۵۰ میلیون ریال از محل منابع ماده ۱۲ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور در اختیار دستگاه اجرایی قرار می‌گیرد.

اخبار کوتاه خارجی

فروش همه افتخارات NBA برای حمایت از کودکان
کریم عبدالجبار ستاره سال‌های دور لیگ بسکتبال حرفه ای آمریکا تمام افتخاراتش را برای حمایت از کودکان نیازمند فروخته‌به گزارش ایرنا، ستاره بسکتبال‌های دور لیگ

بسکتبال NBA تمام عناوین و افتخاراتش در این لیگ را فروخته است. کریم عبدالجبار که شش قهرمانی در این لیگ، دو عنوان ارزشمندترین بازیکن فینال، ششش عنوان ارزشمندترین بازیکن فصل، دو عنوان آقای بسکتبال ایران و دو قهرمانی در این لیگ به عنوان مربی را در کارنامه اش دارد تصمیم گرفت تا تمام عناوینش از جمله انگشترهای قهرمانی اش را بفروشد. این ستاره بسکتبال دنیا و تیم لس آنجلس لیکرز تمام مجموعه ورزشی اش از بسکتبال را به قیمتی نزدیک به ۳ میلیون دلار به فروش رسانده است. او این پول را در اختیار موسسه خیریه ای قرار داده که کودکان نیازمند را تحت پوشش قرار می دهد و برای آنها فرصت آموزشی می‌کند. ششعار این موسسه هم فرصت ششوی در اختیارشان قراریده که دفاع نمی شود است.کریم عبدالجبار درباره این تصمیم خود گفته است: زمانی که قرار است بین مجموعه ای از مدال ها و انگشترهای قهرمانی و افتخارات ورزشی و حمایت از کودکان نیازمندی که می خواهید زندگی خود را تغییر بدهند دست به انتخاب بزنید قطعا انتخاب خیلی ساده خواهد بود. زمانی که به گذشته نگاه می‌کنم افتخارات زیادی کسب کرده ام و وقتی به زمانه نگاه می‌کنم و به صورت کودکی که منظر هستند تا من برای آینده آنها کاری بکنم فکر می‌کنم می‌بینم که کار تاریخی این است که برای این کودکان قلمی بردارم.

تمجیدAFCبرپرسولیس قبل از بازی با پاختاکور

باشت کنفدراسیون فوتبال آسیا به تمجید از تیم پرسپولیس ایران پرداخت.

به گزارش خبرنگار مهر، تیم‌های فوتبال پرسپولیس ایران و پاختاکور ازبکستان

در اولین دیدار خود در لیگ قهرمانان آسیا (۲۰۱۹) در ورزشگاه آزادی به مصاف هم خواهند رفت.سیاست کنفدراسیون فوتبال آسیا در گزارشی پیش از این مسابقه به تمجید از پرسپولیس پرداخت.AFCنوشت: پرسپولیس ایران نائب قهرمان دوره گذشته لیگ قهرمانان آسیا کارش را با میزبانی از پاختاکور در ورزشگاه آزادی آغاز می‌کند. پرسپولیس سال گذشته نمایشی عالی داشت و برای اولین بار به فینال لیگ قهرمانان آسیا رسید. پیش از آنکه مقابل کاشیما شکست بخورد، تیم برانکو ایوانکوویچ در سال گذشته قهرمان لیگ ایران شده است و هفته گذشته با پیروزی مقابل صنعت نفت به صدر جدول رفت.»

جهانیش:امیدوارم اولین گل‌م را خیلی زود در بارتون ثبت کنم

هافبک تیم ملی فوتبال ایران ابراز امیدواری کرد خیلی زود اولین گلش را برای بارتون به ثمر برساند و به مانند الکمار در این تیم انگلیسی هم موفق ظاهر شود.به گزارش ایسنا و به سه نقل از تلگراف هلند، علیرضا جهانیش گفت:هلمم این است که در بارتون خوب بازی کنم. دوست دارم خیلی زود اولین گل‌م را به ثمر برسانم تا بتوانم اعتماد به نفس پیدا کنم، وقتی موفق شوم می‌توانم بهتر و بهتر ظاهر شوم. در این شرایط پیشرفت بیش‌تر خواهد شد. همه چیز به اعتماد به نفس بستگی دارد. فصل گذشته در الکمار موفق بودم چون آنجا خانه من بود و با هواداران ارتباط نزدیکی داشتم. امیدوارم این شرایط را در بارتون هم داشته باشم.

سختگویی وزارت کشور یادآور شد: همچنین پیرو این مصوبه دولت، مبلغ هفت میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال تسهیلات بانکی ازان‌تیمت توسط بانک مرکزی از طریق بانک عامل با معرفی استانداردی اردبیل نیز آسیب دیدگان ناشی از وقع طوفان و فرونشست زمین و سیلاب پرداخت می‌شود. سامانی در پایان گفت: این مصوبه هیأت وزیران جهت اجرا به وزارت کشور، وزارت اقتصاد، وزارت راه و ترانسازی، سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی ابلاغ شده است.

منافسه عمومی یک مر حله ای همراه با ارز یابی کیفی

شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران (از شرکت های زیر مجموعه پتروشیمی جم)، فعال در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقسه عمومی یک مرحله ای، با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:

شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران (از شرکت های زیر مجموعه پتروشیمی جم)، فعال در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقسه عمومی یک مرحله ای، با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:

شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران (از شرکت های زیر مجموعه پتروشیمی جم)، فعال در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقسه عمومی یک مرحله ای، با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:

شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران (از شرکت های زیر مجموعه پتروشیمی جم)، فعال در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقسه عمومی یک مرحله ای، با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:

شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران (از شرکت های زیر مجموعه پتروشیمی جم)، فعال در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقسه عمومی یک مرحله ای، با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:

شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران (از شرکت های زیر مجموعه پتروشیمی جم)، فعال در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقسه عمومی یک مرحله ای، با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:

شرکت مهندسی جم صنعت کاران تهران (از شرکت های زیر مجموعه پتروشیمی جم)، فعال در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق برگزاری مناقسه عمومی یک مرحله ای، با شرایط زیر به پیمانکار ذیصلاح واگذار نماید:

سختگویی وزارت خارجه همچنین در زمینه اقدام اخیر دولت لندن در گنجاندن نام حزبالله در فهرست گروه‌های تروریستی و نگاه ایران به این موضوع

گفت: در حالت خوشبینانه لندن دچار اشتباه راهبردی شده است و بسیاری از کشورهای اروپایی هم موضوع را تأیید نکردند. در حالت بدبینانه این موضوع برمی‌گردد به سیاست‌های زیاده‌خواهانه و توسعه‌طلبانه این کشور که در منطقه می‌تواند دنبال کند.

وی با بیان این که انجام این گونه اقدامات باعث جلوگیری از ایجاد ثبات و آرامش و توسعه اقتصادی و انسانی در منطقه می‌شود، ادامه داد: حزب‌های

کنگره ملی شهدای عرصه امنیت در روز شهید برگزار می شود

اجتماعی و ایثار و شهادت به این جشنواره ارسال شده است و امروز از ۹ اثر برگزیده تجلیل می‌شود. وی با بیان اینکه از جشنواره سرچشم مردم به خط شهداست و هم خارج از کشور استقبال خوبی صورت گرفت، اظهار داشت: تلاش داریم این جشنواره را در سال‌های آینده به صورت بین المللی برگزار کنیم.

کاپوئی‌را رد تصریح کرد: اسامیل مجموعه برنامه‌های عیدیه به مناسبت بزرگداشت روز شهدا را در دو بخش نمایشی کردیم؛ برنامه‌هایی که در طول سال عرصه شده و برنامه‌هایی که از ۲۲ بهمن تا ۲۴ اسفند به صورت ترکیبی ارائه می‌شود و برنامه ششم کوثر که با هدف تکریم از بانوان جانباز همزمان با روز زن برپا ششد در دسته دوم قرار می‌گیرد. وی جشنواره جایزه ملی ایثار با تجلیل از ۷۱ دانش آموز

تصمیمات دولت برای ساماندهی و تأمین ایمنی تردد خودروهای دوگانه سوز

خودروهای دوگانه سوز که در کارت شناسایی آنها عبارت «دوگانه سوز» یا «دوگانه سوز تبدیلی» درج شده است و دارای گواهی معاینه فنی معتبر هستند، دولت داشته باشند. وجود خودروهای پالس راهنمایی و رانندگی ناجا در موظف کرد نسبت به اصلاح و تعویض مدارک شناسایی آن دسته از خودروهای که به صورت کارگاهی تا قبل از ایلان این مصوبه دوگانه سوز شده اند و «گواهی سلامت سامانه سوخت رسانی گاز خودرو را مطابق دستورالعمل مربوط اخذ کرده اند، اقدام و در کارت آنها عبارت «دوگانه سوز تبدیلی» را درج کند. سازمان ملی استاندارد ایران هم موظف شد حداکثر شش ماه بعد از تصویب سند سه ماهه از تاریخ ابلاغ این مصوبه براساس مستندات دریافتی از وزارت صنعت، معدن و تجارت (استانداردهای بین‌المللی معتبر)، سامانه‌های خودروهای گازسوز و زارت صنعت، معدن و تجارت به نحوی اقدام کند که از تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱ گازسوختگی در جایگاه‌های سوخت گاز طبیعی صرفاً برای

روزوزی،تأکید کرد: خودروهای تولید سال ۹۳–به بعد، همچنین خودروهای وارداتی از سال ۲۰۱۴ به بعد، خودروهای پلاک عمومی (تاکسی ها)،تولید ۱۳۹۶مشمول معاینه فنی می شوند در غیر این صورت از اول فروردین توسط دوربین های ثبت تخلفات جریمه می شوند مدیرعامل سازمان معاینه فنی خودروهای تهران در ادامه با اشاره به برخورداری جدی با خودروهای دیزلی برای کاهش آلودگی هوا گفت: برخی از این رانندگان قطعاتی را اجاره می‌دهند و در این صورت جریمه می‌شوند؛ اما به خاطر آلودگی آنها که در صورت لزوم جریمه می‌شوند، صرف توسعه حمل‌ونقل عمومی می‌تواند توصیه به رانندگان برای اطمینان پیدا کردن از سلامت خودروهای خود قبل از سفرهای

جهانگیری: پیوستن ایران به لوائج چهار گانه FATF نیاز اساسی کشور است

بقیه از صفحه ۲ سختگویی وزارت خارجه همچنین در زمینه اقدام اخیر دولت لندن در گنجاندن نام حزبالله در فهرست گروه‌های تروریستی و نگاه ایران به این موضوع گفت: در حالت خوشبینانه لندن دچار اشتباه راهبردی شده است و بسیاری از کشورهای اروپایی هم موضوع را تأیید نکردند. در حالت بدبینانه این موضوع برمی‌گردد به سیاست‌های زیاده‌خواهانه و توسعه‌طلبانه این کشور که در منطقه می‌تواند دنبال کند.

وی با بیان این که انجام این گونه اقدامات باعث جلوگیری از ایجاد ثبات و آرامش و توسعه اقتصادی و انسانی در منطقه می‌شود، ادامه داد: حزب‌های

خودروهای دوگانه سوز که در کارت شناسایی آنها عبارت «دوگانه سوز» یا «دوگانه سوز تبدیلی» درج شده است و دارای گواهی معاینه فنی معتبر هستند، دولت داشته باشند. وجود خودروهای پالس راهنمایی و رانندگی ناجا در موظف کرد نسبت به اصلاح و تعویض مدارک شناسایی آن دسته از خودروهای که به صورت کارگاهی تا قبل از ایلان این مصوبه دوگانه سوز شده اند و «گواهی سلامت سامانه سوخت رسانی گاز خودرو را مطابق دستورالعمل مربوط اخذ کرده اند، اقدام و در کارت آنها عبارت «دوگانه سوز تبدیلی» را درج کند. سازمان ملی استاندارد ایران هم موظف شد حداکثر شش ماه بعد از تصویب سند سه ماهه از تاریخ ابلاغ این مصوبه براساس مستندات دریافتی از وزارت صنعت، معدن و تجارت (استانداردهای بین‌المللی معتبر)، سامانه‌های خودروهای گازسوز و زارت صنعت، معدن و تجارت به نحوی اقدام کند که از تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱ گازسوختگی در جایگاه‌های سوخت گاز طبیعی صرفاً برای

خودروهای دوگانه سوز که در کارت شناسایی آنها عبارت «دوگانه سوز» یا «دوگانه سوز تبدیلی» درج شده است و دارای گواهی معاینه فنی معتبر هستند، دولت داشته باشند. وجود خودروهای پالس راهنمایی و رانندگی ناجا در موظف کرد نسبت به اصلاح و تعویض مدارک شناسایی آن دسته از خودروهای که به صورت کارگاهی تا قبل از ایلان این مصوبه دوگانه سوز شده اند و «گواهی سلامت سامانه سوخت رسانی گاز خودرو را مطابق دستورالعمل مربوط اخذ کرده اند، اقدام و در کارت آنها عبارت «دوگانه سوز تبدیلی» را درج کند. سازمان ملی استاندارد ایران هم موظف شد حداکثر شش ماه بعد از تصویب سند سه ماهه از تاریخ ابلاغ این مصوبه براساس مستندات دریافتی از وزارت صنعت، معدن و تجارت (استانداردهای بین‌المللی معتبر)، سامانه‌های خودروهای گازسوز و زارت صنعت، معدن و تجارت به نحوی اقدام کند که از تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱ گازسوختگی در جایگاه‌های سوخت گاز طبیعی صرفاً برای

خودروهای دوگانه سوز که در کارت شناسایی آنها عبارت «دوگانه سوز» یا «دوگانه سوز تبدیلی» درج شده است و دارای گواهی معاینه فنی معتبر هستند، دولت داشته باشند. وجود خودروهای پالس راهنمایی و رانندگی ناجا در موظف کرد نسبت به اصلاح و تعویض مدارک شناسایی آن دسته از خودروهای که به صورت کارگاهی تا قبل از ایلان این مصوبه دوگانه سوز شده اند و «گواهی سلامت سامانه سوخت رسانی گاز خودرو را مطابق دستورالعمل مربوط اخذ کرده اند، اقدام و در کارت آنها عبارت «دوگانه سوز تبدیلی» را درج کند. سازمان ملی استاندارد ایران هم موظف شد حداکثر شش ماه بعد از تصویب سند سه ماهه از تاریخ ابلاغ این مصوبه براساس مستندات دریافتی از وزارت صنعت، معدن و تجارت (استانداردهای بین‌المللی معتبر)، سامانه‌های خودروهای گازسوز و زارت صنعت، معدن و تجارت به نحوی اقدام کند که از تاریخ ۱۳۹۸/۱/۱ گازسوختگی در جایگاه‌های سوخت گاز طبیعی صرفاً برای

خودروهای دوگانه سوز که در کارت شناسایی آنها عبارت «دوگانه سوز» یا «دوگانه سوز تبدیلی» درج شده

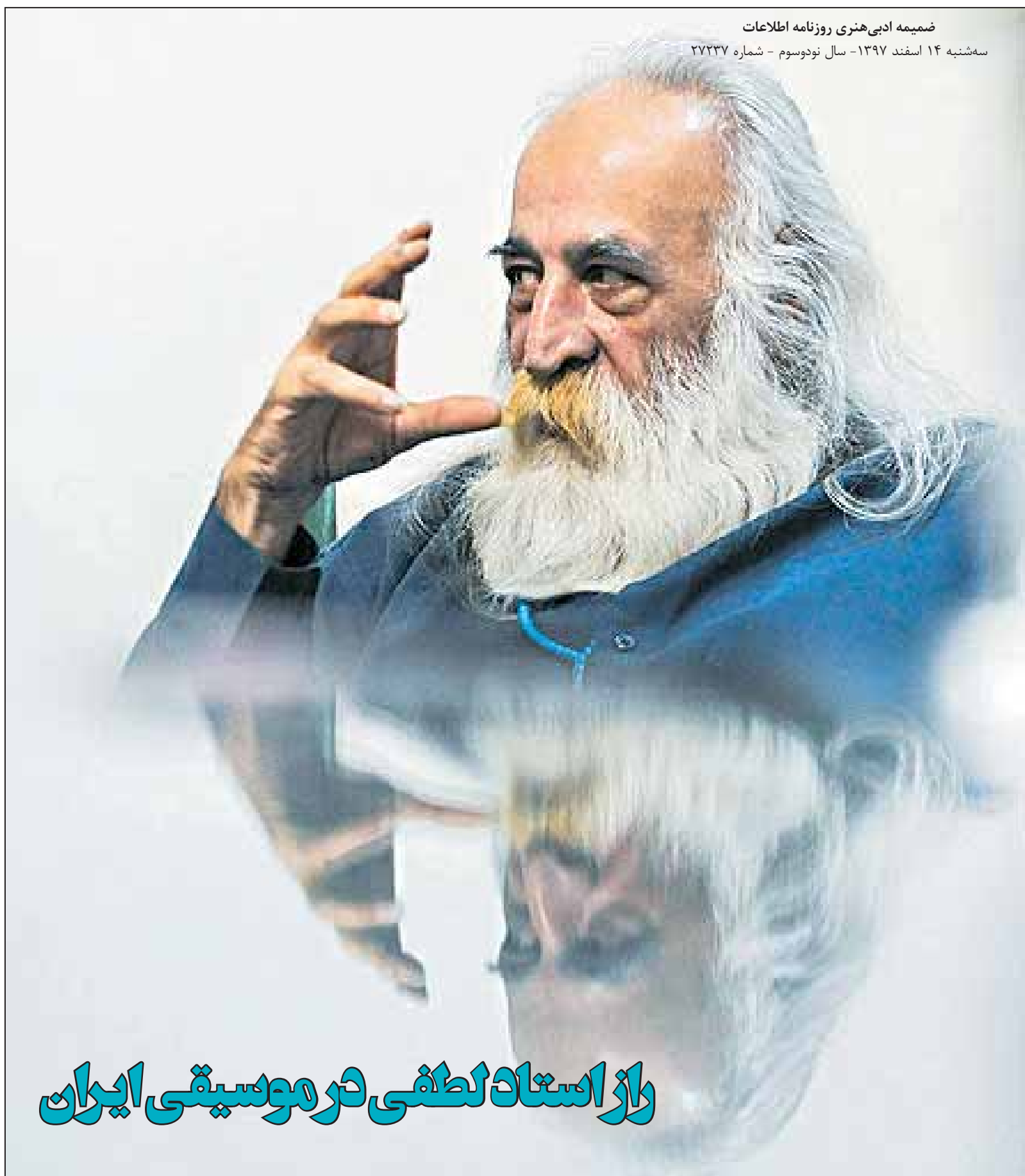


۵
دکتر عباس حرّی
پژوهشگر و استاد زبان آموز



۴۸۴

ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات
سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۷ - سال نودوسوم - شماره ۲۷۲۳۷



راز استاد لطفی در موسیقی ایران



• محمدرضا حیدرزاده

در نظرخواهی روزنامه اطلاعات از ۵۰ نویسنده انتخاب شد

۲۰ رمان برتر سال ۱۳۹۷

رمان‌های زیر هم هر کدام با یازده رای، در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند: رمان «من از گورانی‌ها می‌ترسم» نوشته بلقیس سلیمانی (نشر چشمه)، رمان «هرس» نوشته نسیم مرعشی (نشر چشمه)، رمان «این آخرین باره» نوشته ساناز زینعلی (نشر آئی‌سا)، رمان «عاشق شدم» نوشته آریتا خیری (نشر علی)، رمان «به وقت بی‌نامی» نوشته نازنین جودت (نشر بان)، رمان «ملت عشق» نوشته الیف شافاک / ترجمه ارسلان فصیحی (نشر ققنوس)، رمان «شور آب» نوشته کیوان ارزاقی (نشر افق)، رمان «لاله‌های واژگون» نوشته شهلا خودی زاده (نشر آئی‌سا)، رمان «دوشیزه مهتاب» نوشته نازیلا نوبهار (نشر روزگار)، رمان «موهایم را بیاف» نوشته لادن صهبایی (نشر علی)، رمان «رویای بی‌تکرار» نوشته سارا هاشمی (نشر شادان).

رمان «خاک سفید» نوشته حمید بابایی (نشر نیماژ)، رمان «کوری» نوشته ژوزه ساراماگو / ترجمه مهدی غبرایی (نشر مرکز)، رمان «شهرزاد باش» نوشته میترا شیرانی (نشر آئی‌سا)، رمان «پیاده رویهای ناهموار» نوشته نازیلا نوبهار (نشر روزگار)، رمان «خواب‌های مشکوک» نوشته مصطفی علی زاده (نشر بان)، رمان «خورشید نفرین شده» نوشته زهرا افشار زیبا (نشر موج)، رمان «دختر توی آینه» نوشته گلرخ بیات (نشر برکه خورشید)، رمان «شیگانهوس» نوشته بهاره نوربخش (نشر بهنام)، رمان «درد شیرین» نوشته بهاره حسنی (نشر سخن)، رمان «آواز اجساد بی‌گور» نوشته جسمین وارد / ترجمه سعید کلاتی (نشر کتاب کوچه)، رمان «بی‌نازنین» نوشته کیوان ارزاقی (نشر افق)، رمان «بلاگردون» نوشته م. بهارلویی (نشر برکه خورشید).



رمان «من از یادت نمی‌کاهم» نوشته بهاره نوربخش (نشر شادان)، رمان «انار ترش» نوشته سمیرا سیدی (نشر علم)، رمان «یاغی» نوشته زهرا قاسم‌زاده (نشر شایق)، رمان «دختری که از اول انار بود» نوشته مرتضی عبدی (نشر آدش)، رمان «بگذار باران بیارد» نوشته کبری بهرامی هیدجی (نشر غزل‌سرا)، رمان «قلب کویر» نوشته مهشاد لسانی (نشر علی)، رمان «ژورنالیست» نوشته مریم دلیر (نشر شادان).

رمان «مرا عهده‌ای است» نوشته مهناز صیدی (نشر شادان)، رمان «خانه امن» نوشته آریتا خیری (نشر علی)، رمان «دو کوچه بالاتر» نوشته مریم سمیع زادگان (نشر تندیس)، رمان «کجا گم کردم» نوشته مهسا دهقانی پور (نشر ققنوس).

رمان «چه رقیبی» نوشته عاطفه منجری (نشر برکه خورشید)، رمان «اندوه مونالیزا» نوشته شاهرخ گیوا (نشر زاوش)، رمان «هنوز دوستش دارم» نوشته مهسا حسینی (نشر علی)، رمان «نامهربان من کو» نوشته م. بهالویی (نشر برکه خورشید).

رمان «اگر نرفته بودی» نوشته ر. اکبری (نشر آریتا)، رمان «یلدای بی‌پایان» نوشته زکیه اکبری (نشر علی)، رمان «بی‌تابوت» نوشته لاله زارع (نشر ققنوس)، رمان «فصل توت» نوشته منیر کاظمی (نشر علی).

رمان «بال‌های بسته» نوشته زهرا احسان منش (نشر علی)، رمان «چه رقیبی» نوشته عاطفه منجری (نشر برکه خورشید)، رمان «عشق و چیزهای دیگر» نوشته مصطفی مستور (نشر چشمه)، رمان «این آخرین باره» نوشته ساناز زینعلی (نشر آئی‌سا).

انتشار رمان در سال ۱۳۹۷ هر چند با کمبود و گرانی کاغذ مواجه شد، اما از رشد خوبی برخوردار بود و نشان داد که نویسندگان و ناشران با تلاش مضاعفی، اقدام به نشر رمان‌های تازه کرده‌اند. در این میان، تعدادی رمان هم که پارسال با استقبال خوبی مواجه شده بودند امسال با چاپ‌های تازه، دوباره روانه بازار کتاب شدند.



ضمیمه ادب و هنر روزنامه اطلاعات، برای انتخاب رمان‌های برتر سال ۱۳۹۷ اقدام به نظرخواهی از پنجاه نویسنده کرد تا ۲۰ رمان برتر امسال را انتخاب و معرفی کنند.

بر اساس این نظرخواهی، رمان «به‌ساز دلم» نوشته پروانه شفاعی (نشر شادان) با بیست رای در رتبه نخست، رمان «هورا» نوشته کاملیا کوشش (نشر علی) با نوزده رای در رتبه دوم و رمان «با سنگ‌ها آواز می‌خوانم» نوشته مائده فلاح (نشر آگاه) با هجده رای، در رتبه سوم قرار گرفتند.

همچنین رمان «کوچه دلگشا» نوشته آریتا خیری (نشر علی) با هفده رای، رمان «چشم از تو بر نمی‌دارم» نوشته ترزا دریسکل / ترجمه سعید کلاتی (نشر نو) با شانزده رای، رمان «گناه دیگران» نوشته مژگان زارع (نشر برکه خورشید) با پانزده رای، رتبه‌های چهارم تا ششم را به خود اختصاص دادند.

رمان «آن مادران، این دختران» نوشته بلقیس سلیمانی (نشر ققنوس)، رمان «اعترافات هولناک لاک پشت مرده» نوشته مرتضی برزگر (نشر چشمه)، رمان «انگار خودم نیستم» نوشته یاسمن خلیلی فرد (نشر ققنوس)، رمان «خون خورده» نوشته مهدی یزدانی خرم (نشر چشمه)،

رمان «بند محکومین» نوشته کیهان خانجانی (نشر چشمه)، رمان «هش» نوشته رضا امیرخانی (نشر افق)، رمان «پاییز فصل آخر سال است» نوشته نسیم مرعشی (نشر چشمه)، رمان «قهوه سرد آقای نویسنده» نوشته روزبه معین (نشر نیماژ)، رمان «خاما» نوشته یوسف علیخانی (نشر آموت)، هر یک با چهارده رای، در رتبه‌های هفتم تا پانزدهم جای گرفتند.



پنج رمان دیگر با نام‌های «آتش بدون دود» نوشته نادر ابراهیمی (نشر روزبهان)، رمان «من رعنا هستم» نوشته مریم سمیع زادگان (نشر تندیس)، رمان «کارما» نوشته تکین حمزه‌لو (نشر روشا)، رمان «آجر کج» نوشته شادی منعم (نشر علی) و رمان «فصل سکوت» نوشته مریم دلیر (نشر شادان)، هر یک با سیزده رای، در رتبه‌های شانزدهم تا بیستم قرار گرفته‌اند تا عنوان بیست رمان برتر سال ۹۷ را از آن خود کنند.

با دکتر دینانی در جهان مولانا

کیمیای عشق

کریم فیضی



حزن و شادی واقعی

مولانا در یکی از رباعیاتش می‌گوید:

در یاد من آتشی است از صورت دوست

ای غصه، اگر تو زهره داری، یاد آ!

سؤال این است که آیا با وجود چنین انسان‌هایی و چنین گفتارهایی، باز هم می‌توان گفت: انسان بی‌حزن وجود ندارد؟

بدون شک حزن یکی از شئون آدمی است و اصل حزن هم، حزن فراق است، اما اگر انسان بتواند در این حزن، شادی بازگشت بدمد و به امید بازگشت به اصل، جرعه شادی در درون بچکاند و طنین‌انداز کند، این شادی واقعیت دارد و بر همه شادی‌ها - از جمله شادمانی مایکل جکسونی - ترجیح دارد.

به عبارت دیگر: باطن شادی واقعی، حزن است و با عبور از حزن، شادی واقعی حاصل می‌شود و با حزن به شادی می‌رسیم.

بیان خوبی کردید. قرآن کریم می‌فرماید: غم و شادی و گریه و خنده، از شئون انسان است، اما از طرف خداوند: هوالذی امانت و احیی و اضمح و ابکی. خداست که می‌گریاند و می‌خنداند.

عده‌ای هم معتقدند که طنز و تراژدی از یک ریشه‌اند. گویا اصل این ایده غربی است.

به نظر من غرب و شرق ندارد. طنز از تراژدی جدا نیست. در هر طنزی مایه‌ای از تراژدی نهفته است و الا طنز نمی‌شد واصلت پیدا نمی‌کرد. از طرف دیگر، ویژه و ویژه انسان است، با سه بار تأکید روی ویژه! هیچ موجودی تراژیک نیست. هیچ موجودی تراژدی ندارد و هیچ موجودی تراژدی را نمی‌فهمد جز انسان.

شاید هم بتوان گفت: تراژدی مخصوص فهم است و شاید هم فهم تراژدی است.

شما امروز حرف‌های حکیمانه می‌زنید، معلوم می‌شود که در این مدتی که غیبت داشتی، خودت را ساخته‌ای. تراژدی مخصوص عقل است و خود عقل تراژدی است. این قول شما را با تحسین تصدیق می‌کنم. اشخاص نمی‌دانند که عقل تراژدی است و هر طنزی، مایه‌ای از تراژدی دارد، اما نه به صورت شدید و تکان‌دهنده، بلکه بسیار خفیف. به همین جهت به جای گریاندن، می‌خنداند. اصولاً خنده و گریه بسیار نزدیکند. به همین جهت گاهی انسان از شدت شوق گریه می‌کند.

اشک شوق که می‌گویند، همین است.

برعکس هم روی می‌دهد و انسانی که کار را سخت می‌بیند و از همه جا ناامید می‌شود، لبخند می‌زند که معنایش به هیچ گرفتن عالم است.

بسیار شنیده‌ایم که می‌گویند: کارم از گریه گذشته، از آن می‌خندم، یعنی جا داشت گریه کنم، ولی چون گریه رسا نیست، ترجیح می‌دهم از خیر گریه بگذرم که بهتر است ادامه ندهیم و بیت مورد بحث را پی بگیریم.

همه این حرف‌ها نتیجه این بیت عظیم مولاناست که می‌گوید:

بشنو این نی چون شکایت می‌کند

وز جدایی‌ها حکایت می‌کند

واضح است که نی واقعی، وجود خود مولاناست که شکوه سر می‌دهد و بعد حکایت جدایی‌ها را بر زبان می‌آورد. «مثنوی» حکایت همین حکایت است. من «مثنوی» را به عنوان محبوب‌ترین کتاب فارسی در عالم، حکایت جدایی‌ها می‌دانم که به شیرین‌ترین صورت ممکن جدایی از اصل را روایت می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه باید به مادر مادرها برگردیم.

به دیگر سخن، مولانا، در نی وجود خودش، حکایت فراق را می‌نوازد و غربت عمیق جاری در جهان را گزارش می‌کند. هر وجودی، «نی» است و اگر نواخته شود، غصه غربت سر خواهد داد. ما همگی نی‌هایی هستیم با نواهایی از جنس فراق.

درست است. هر موجودی نی است و انسان نی‌تر است. نوای انسان، از هر نی دیگری بیشتر است، اگر زبان بگشاید. مولانا به اندازه همه انسان‌ها نوا دارد و نوای دیگر انسان‌ها را نیز در نی وجود خودش می‌شنود و می‌خواند.

■ بخش دوم

چرا ادبیات، چرا هنر؟

تا اینجا به اختصار به این حقیقت پرداختیم که آنچه اثر ادبی را به شکل خاص و اثر هنری را به طور کلی، جهان مشترک احساس، ذهن و آمال آدمیان می‌سازد، ویژگی ذاتی اثر هنری است.



اگر شخصیت رمان بزرگ ابله و یا رمان ناتمام گوگل «نفوس مرده» را برای هر خواننده ای قابل لمس می‌سازد، صرفاً قدرت توصیف‌گری داستایوسکی و یا گوگل نیست، بلکه زندگی خود خوانندگان است که داستایوسکی و گوگل با شناخت از زندگی انسان (انسانی فراتر از روسیه قرن نوزدهم که این آثار در آن عصر به رشته تحریر درآمده) چنین می‌تواند جهان مشترک میان آدمیان را محقق کند.

جهان مشترکی که بسیاری اوقات در آثار ادبی از طریق شخصیت‌هایی خیالی و ذهنی که در آن آثار حضور دارند، مدخل ورود ذهن و

خیال و جستجوگری انسان را فراهم می‌آورد. شخصیت‌هایی خیالی که بسیار حقیقی هستند. شخصیت‌هایی که حقیقتاً وجود دارند و نه صرفاً در عرصه واقعیت بصری.

این شخصیت‌ها همچون شخص اول داستان یادداشت‌های یک دیوانه گوگل و یا شخصیت‌های نمایشنامه لیرشاه شکسپیر و یا آدم بس معمولی رمان تامس هاردی، جود گمنام؛ در حقیقت حضور دارند و نه صرفاً واقعیت. اینان در تمام زندگی، در جای جای ذهن نویسنده، من، شما، ما و آنهايي نیامده به جهان در آینده، وجود دارند.

آنها برآمده از شناخت هر انسانی هستند که چند صباحی را در این دور آمدن و رفتن زندگانی می‌کند. شخصیت دغلباز و طرار و کاربلد و حقیر چیچیکوف (نفوس مرده) و ملاکین بی رحم روسیه نیمه قرن نوزدهم، مانند پیرزن طماع و حرصی که نفوس سرفه‌های مرده خویش را می‌فروشد و رایحه نان لواش که اندود صبحگاهان پرخه سرفه‌های پراز درد و نومیدی در دشت‌های مه‌آلوده روسیه عصر الکساندر دوم و نیکلای یکم و یا تنهایی هبوط گونه راسکولنیکوف (چنایت و مکافات) که یک قرن بعد در آثار فیلسوفان اگزیستانسیال، همچون هیدگر، گابریل مارسل، آلبر کامو، و ژان پل سارتر، این هبوط آدمی در ناکجاآباد هستی تبیین می‌شود.

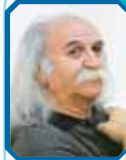


• عماد فرح نیا

شخصیتی از راسکولنیکوف برای ما در ذهن مان نقش می‌زند که از تمامی آدمیان تنها، پراز افکار مغشوش، ناامید، در تبعید و آکنده از پوچی که با چشم می‌بینیم، حقیقی تر و همیشگی تر است. مظلومیت از سر صداقت و آزادگی دختر سوم لیرشاه و استیصال زنی فرو رفته در گناه و تردید، لذت و نومیدی خیانت، وازدگی و ناچاری شخصیت آناکارنینای تولستوی و... صدها از این دست که بر ساختگان ذهن تابناک و نبوغ مشاهده‌گرانه و روایتگرانه کسانی است که بنای عظیم آثارشان را در نقطه‌ای بنا کرده‌اند که از هر نقطه‌ای از هر اکتونی در تاریخ که به آنها نگاه می‌شود، این منظره رو به ابدیت است.



نیم‌نگاهی به ترانه «نفرین» آرتوش، به بهانه بازخوانی محمد معتمدی — ۱



• حسن فرازمند

من گلی پژمرده بودم، گرتو را صد رنگ و بو بود...

آرتوش که بود؟

آرتوش، خواننده ارمنی الاصلی است که از جمله پایه‌گذاران موسیقی مدرن ایران به‌شمار می‌رود. یکی از والدین او اهل ارمنستان بود. وی نهایتاً به ارمنستان رفت و به رغم خلق آثار گسترده در موسیقی ایران، اطلاعات اندکی از او در دسترس است. آثار او غالباً با خوانندگان دیگر (از جمله ویگن) اشتباه گرفته می‌شود. شناخته‌شده‌ترین آهنگ وی با عنوان نفرین در سال ۱۳۴۲ به اجرا درآمد.



آرتوش به غیر از نفرین، ترانه‌های دیگری از ترانه‌سرای نامدار آن روزگار پرویز و کیلی با آهنگ‌هایی از آهنگساز مبتکر و خلاق آن روزگار یعنی پرویز مقصدی اجرا کرد. ترانه‌هایی چون بوسه بر لب‌های خونین، پرستش، عاشقت هستم (باشعری از همایون هوشیار نژاد، تو قلب من نشستی، آشنا، بیهوده، عشق، قصه دریا که از میان آنها نفرین، بیشترین همه‌گل‌کرد و به یکی از پرفروش‌ترین صفحه‌های آن روزگار تبدیل شد...

گریه نکن که سرنوشت ...

در ذهن‌ها ماندگار تر خواهد ساخت. گرچه پیش از این توسط شادامهر عقیلی در خارج کشور اجرا شد و توفیقی هم به دست نیاورد. به این بهانه سراغ این ترانه رفته‌ام و از شما می‌خواهم که نخست شعر این ترانه قدیمی از ساخته‌های مرحوم پرویز و کیلی با آهنگی از مرحوم پرویز مقصدی را زمزمه کنید تا من به شما بگویم که خواننده اصلی و خالق‌های این ترانه ماندگار در سال ۱۳۴۲ چه کسانی بودند؟ آسمان چشم او آئینه کیست آن که چون آینه با من روبرو بود درد و نفرین درد و نفرین بر سفر باد سرنوشت این جدایی دست او بود گریه مکن که سرنوشت گر مرا از تو جدا کرد عاقبت دلهای ما را، با غم هم آشنا کرد با غم هم آشنا کرد چهره‌اش آئینه کیست، آن که با من روبرو بود درد و نفرین بر سفر، این گناه از دست او بود ***

این گناه از دست او بود ای شکسته‌خاطر من، روزگارت شادمان باد ای درخت پرگل من، نو بهارت ارغوان باد ای دلت خورشید خندان سینه تارک من، سنگ قبر آرزو بود سنگ قبر آرزو بود آنچه کردی با دل من، قصه سنگ و سب و بود

واکوی ترانه‌های قدیمی

پخش سریال «لحظه گرگ و میش» از ساخته‌های همایون اسعدیان، بعد از اتمام سریال «بانوی عمارت» از شبکه سوم سیما این روزها بعد از حدود نیم قرن، دوباره ترانه قدیمی «نفرین» آرتوش را بر سر زبان‌ها انداخت.



این سریال که از ۲۲ دیماه امسال روی آنتن شبکه سه سیما رفته است، دوباره همایون اسعدیان را نیز بعد از حدود یازده سال و پس از موفقیت سریال عاشقانه «راه بی پایان»، به خانه ما برد، اما این بار نیز با ترکیبی از چهره‌های با سابقه و جوان.

سریال لحظه گرگ و میش که قرار است در ۵۰ قسمت بر روی آنتن شبکه سه سیما باشد، در واقع باز آفرینی خاطرات یک خواننده تقریباً فراموش شده، اما جاودان را به همراه آورد. آهنگ «گریه نکن که سرنوشت» یا آهنگ نفرین از آرتوش، این بار با صدای محمد معتمدی، صحنه‌هایی از این سریال را



دلنوشته‌های آهان آهان‌دار

محبوب صالح علا

۶۴

عشق تو زندگی را باب کرد!

محبوب! دست‌ها کوتاه‌اند و تو در فرادستی. او را که دوست می‌داریم و عاشقیم در خود ما است. پس سراغ تو را از خودم می‌گیرم.

محبوب! امشب هم ماه کفش‌های تو را پوشیده و زیر نگاه یک عالم ستاره چشمک‌زن کلاهش را می‌شوید.

محبوب من! ای جانِ عصر و جانِ دهر! گر که بجویند سراپای من، جز تو نیابند در اعضای من.

محبوب! همه یک جهنم دارند. تنها منم که چند جهنم دارم؛ جهنم دوری از تو، جهنم تنهایی، جهنم بی‌کسی، جهنم بی‌صدایی.

محبوب! عشق تو زندگی را باب کرد. تبسم را در دیدار تو آموختم. لبخند را، دست کشیدن روی خواب‌قالی را. دیدار تو لب‌ها را قصیده، دل‌ها را غزل کرده است.

محبوب! با تو پای سوسن و شقایق در میان است. و روزهایی که قد می‌کشند. نگاه عاشق از شنیدن نام تو الهام گرفته.



در انتظار توست که روزها، فصل‌ها و سال‌ها به هم تکیه داده‌اند. دقایق سر روی شانه هم گذاشته‌اند که نگاه تو تاریخ را درست می‌کند.

روز اول پاییز، نسیمی که در این اطراف پرسه می‌زد، تکه کاغذ مچاله‌ای آورد. از دور شناختم، خط خودم بود، همان که نوشته بودم: بی‌تو نمانده نفسی.

دستم توی تشت بود. پیراهنی که بوی شما را می‌داد می‌شستم. دیدم جیبم جوهری است. خیره شدم. خواندم، نوشته‌ام: دوتا دست‌ها مرکبی، تمام شعرها هم خط‌خطی.

حالا شب که می‌شود شب‌بوها مرا صدا می‌زنند. شب که می‌رسد یادهای شما به پنجره می‌زنند و مرا صدا می‌کنند که بیایا.

محبوب! این ماه، این یاد شما و نسیم پاییزی و برگ‌های زرد بر شاخه‌ها، دسته‌جمعی اذیت می‌کنند. به کی شکایت کنم؟ این‌ها نمی‌گذارند زندگی کنم، حتی پرنده‌های ناشناس.

پاییز که می‌رسد، نمایشگاه بزرگی از خیال شما و خاطرات فصول دیگر و تنهایی من بر گزار می‌شود. خاطره‌ای از آن وقت که سرپازی رفته بودم با کله کچل، دل عاشق و چشمان خیره به آن شب مهتابی.

محبوب! مرا به مدرسه فرستادند، مجبورم کردند حروف الفبا را بیاموزم؛ می‌دانستم تنها با چند حرف می‌توانم اسم شما را بنویسم. از اول می‌دانستم که برای خواندن و نوشتن به چند حرف بیشتر نیاز ندارم. بیهوده مجبورم کردند همه حرف‌ها را بیاموزم.

محبوب! چه وسعتی دارد بیداری، یاد شما، تصنیف‌های قدیمی و خش‌خش صفحات. روشنایی برمی‌چیند بساط بیداری، بادها و مهتاب را. به هر کجا که می‌روم، ابری است که مرا تعقیب می‌کند، نه کنار می‌رود نه می‌بارد؛ چکار کنم؟

محبوب! شما همه جا هستید، جز یکی دو جا. یکی در تنهایی، یکی در بی‌کسی. از خیال شما دیواری به دور تنهایی‌ام کشیده‌ام؛ نه تیز است، نه بلند است، نه سیمانی است، نه سنگی، نه آجری، نه دری و نه قفلی؛ اما کسی را یارای عبور از آن نیست. دیگر هیچ آرزویی ندارم و به هیچ عاشقی حسرت نمی‌برم.

محبوب! شما را در خواب دیدم. سروقد، صنوبر قامت و ماه‌طلعت.



دوستانی بهتر از آب روان

خاطرات من و سهراب

دکتر حبیب‌الله صناعتی

راز استاد لطفی در موسیقی ایران

● بهروز صاحب‌اختیاری

سیر روح آدمی در همین لحظه انجام می‌پذیرد. هر چند سلوک او در همین عالم فانی بوده باشد. سیر و سلوک هنرمند، تازینه روح او خواهد بود تا در جریانی از زیبایی معنوی، رشد و بالندگی یابد.

استاد محمدرضا لطفی (۱۳۲۵-۱۳۹۳) در حیاتش شاکله‌ای تمام‌قد از موسیقی زیبای روح‌نواز و فرخ‌بخش و پراحساس ایران‌زمین بود و اینک در مماتش محور پایداری‌های انسان‌های شریف و صمیمی و پاک‌اندیش.

موسیقی ایرانی در ذات خود دارای آن چنان بار غنای معنوی است که از فرهنگ و تمدن درخشان این سرزمین اهواری نیوشیده و رفع عطش می‌کرده است.

تداوم این روال، همچنان جاری و ساری است و الی‌الابد نیز جاودان خواهد بود. آن شرمندگان که از موسیقی فراغ دارند و فراق، تو گویی بویی از معرفت و معنویت و فرهنگ دریافته‌اند. چگونه نام انسان برانزده‌ی بعضی از آنان است که هیچ احساسی از محبت و ایثار و نوع‌دوستی را درک نمی‌کنند.

در زنده بودن هنرمند، باعث رنجش و مرگ زودرس او می‌شوند و پس از درگذشتش، دست به بی‌حرمتی‌ها و جسارت به ساحت پاک و مقدس او می‌یازند.

از خدا جوئیم توفیق ادب تا بلکه مدارای دوستان، باعث ارشاد معاندان گردد. یاد بعضی نفرات، حسرت می‌دارد.

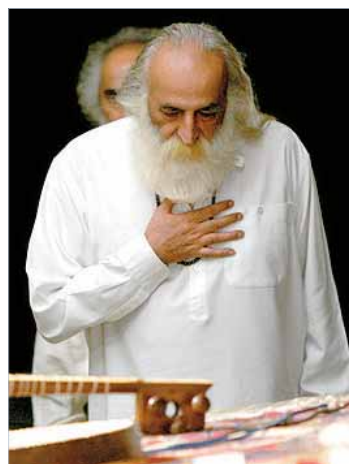
برگزاری سالیاد استاد لطفی، نه از برای زنده نگهداشتن نام ایشان، که در واقع او و سایر استادان بزرگوار موسیقی ایران همیشه یادشان و آثارشان زنده خواهد ماند و نیازی به این قبیل مراسم نمی‌باشد، بلکه به جهت گرامیداشت یاد و پاسداشت تلاش‌ها و زحمات و آفرینش‌های آنان است تا هم روح آنان شاد گردد و هم خاطر حاضران تسلا یابد.

بعد از وفات، تربت ما در زمین مجوی در سینه‌های مردم عاشق، مزار ماست رفتن استاد لطفی، به واقع آتشی بر دل دوستدارانش نهاد، ولی شور ادامه‌راه آن استاد فقید، امید در دل دوستان را زنده نگه می‌دارد. یادش را گرامی می‌داریم. روحش شاد و راهش ادامه‌دار و جاودانه.

خشک چوبی، خشک سیمی، خشک پوست از کجاست می‌آید این آوای دوست؟ و خود پاسخ می‌دهد که:

ما همه ابنای آدم بوده‌ایم

در بهشت این لحن‌ها بشنوده‌ایم
آری، این «تی» نهفته در روح انسان، این آواها و نغمه‌ها را در «نیستان ازل» به گوش جان نیوشیده و طربناک شده تا ندای زیبایی و عشق را در سراسر جهان هستی سر دهد.



نمود این عشق و زیبایی را می‌توان در موسیقی ایرانی و به‌ویژه موسیقی بداهه (که منبعث از موسیقی عرفانی و خانقاهی بوده) دریافت. بود و نمود این زیبایی در بافت و تار و پود موسیقی ایرانی به خوبی هویداست.

هیچ کسی این زیبایی را درک نمی‌کند، مگر زیباییان و زیبااندیشان روزگار.

یکی از این زیبااینان روزگارمان، استاد محمدرضا لطفی بود. چون رعدی فرودامد، نهیبی زد و زود بار خود برست و کوچ کرد.

چون شمعی، روشنی بخشید و قطره قطره آب شد و سوخت؛ لیکن روشنایی‌بخش بودن او باعث آگاهی خواص گشت تا ایشان بیدار شوند که پخته شدن خود را مدیون سوختن استاد بدانند. پنجه‌های روح‌نواز استاد لطفی، انسان را در لحظه از خود بیخود می‌کند و به عوالم والای دیگری می‌برد.

موسیقی، ودیعه‌ای است غیرمادی و در عین حال مادی. هدیه‌ای است متافیزیکی و در همان حال فیزیکی. همچون ذات و صفات آدمی، عنصری است دو وجهی. موسیقی، نیاز بشری است برای تلطیف روح انسانی.

پیش‌درآمد لطف است برای آرامش درونی آدمی، که هم وجه ظاهر دارد و هم وجه باطن. آدمی را در ظاهر، طرب می‌بخشد و شور زندگی. و در باطن، به انسان خودباوری، اعتماد به نفس، انرژی و نیروی معنوی، رضایت از خود و کمال‌یابی آحاد انسانی، قدرت روانی در توان متراکم تو در توی ذهن آدمی، و... می‌بخشد.

بزرگان و متفکران موسیقی کلاسیک اروپایی همچون: باخ، موتسارت، بتهوون، و... موسیقی را نردبان صعود آدمی به آسمان‌ها تشبیه کرده و همگی بر این اعتقاد بودند که: «آنجا که زبان از بیان باز می‌ماند، موسیقی آغاز می‌گردد.» اما موسیقی در مشرق‌زمین، جایگاه درونی‌تری می‌یابد و از حالت ظاهر به حالت معنوی‌تری تبدیل می‌گردد.

موسیقی در شرق، به‌ویژه در سرزمین تمدنی ایران، با کلام درهم می‌آمیزد. زیرا که شعر نیز به گونه‌ای، خود دارای ریتم و موسیقی درون کلمات است که به این تلفیق و ترکیب، جان مضاعف می‌بخشد. شعر آهنگین و آهنگ شعر، بیانگر این پیوستگی هاست، بدون وابستگی به یکدیگر. موسیقی همچون موجودی جاندار، نیاز به مراقبت و نگهداری و حفاظت دارد تا به رشد و بالندگی بیشتری برسد.

موسیقی همانند انسان مانا و جاودان است. زیرا در طول و عرض زندگی آدمی، بدون توقف به حرکت ادامه داده و به پویایی و مانایی خود تا ابد و تا پایان هستی، عمق زندگی را شتاب بیشتری می‌بخشد.

مانایی موسیقی ایرانی و ماندگاری آواهای این سرزمین، مدیون زحمات و تلاش‌های فراوان هنرمندان با احساس و بزرگواری است که عمر و جوانی و سلامت خود را در گرو رشد و بالندگی و ارتقای کیفی این موجود مقدس گذاشته‌اند.

موسیقی، در ذات خود اگرچه مربوط به این دنیا است، لیکن ریشه از قبل از دنیا داشته است. مولانا جلال‌الدین در پرسشی معنوی می‌گوید:

این واژه مصطلح در کاشان است و در فرهنگ‌ها دیده نمی‌شود و چنین است که مفسرین برای آن سخن‌ها گفته‌اند. چلو پرندهای است از دسته چکاوک‌ها که انواع مختلفی دارند و آن چلو که در کاشان است، کمی بزرگتر از گنجشک بوده و معمولاً در دشت‌ها و مرغزارها راه می‌رود و گاه پرواز می‌کند و آوایی خوش دارد. چنین است که سهراب می‌گوید در زمان کودکی و در آن باغ وقتی یک چلو آواز می‌خواند سینه من در آتش اشتیاق شنیدن آوازش می‌سوخت.

لاغر و چابک

سهراب از کودکی تا پایان زندگی همواره لاغر و در عین حال تندرست و چابک بوده است. پریذخت خواهر هوشمند سهراب می‌نویسد:

«سهراب و منوچهر با پسرعموی‌مان به نام‌های اسفندیار و تیمور همبازی بودند و گروه پسرها را تشکیل می‌دادند که همگی با هم همراهی و موافقت داشتند و هر نوع بازی و شیطنتی را با هم آغاز می‌کردند. گاه خانه شاگرد منزل، این گروه را کامل‌تر می‌ساخت.

سهراب کوچکترین و در ضمن شیطان‌ترین و از نظر هیکل لاغرترین فرد گروه بود در مقابل در ورزش‌هایی چون ژیمناستیک، پارالل، بالانس و شنا بسیار ورزیده می‌نمود؛ بارها شاهد بالانس زدن و به اصطلاح کاشانی‌ها عقرب‌برداشتن او روی لبه پشت بام بودم؛ این امر با اعتراض مادر که از ترس چشم‌هایش را می‌بست، روبرو می‌شد. سهراب تنها بچه‌ای بود که می‌توانست از ستون‌های گچی حوضخانه و تمام درختان تنومند باغ، فرزند و چابک در چشم برهم‌زدنی بالا برود. هر وقت روی درخت‌های توت شمیرانی می‌رفت، ما را که قادر به بالا رفتن نبودیم و می‌داشت با چنین جمله‌ای از او بخواهیم تا شاخه‌ای را بپنکند: «آقای سهراب خان سپهری اگر شاخه‌ای تکاندنی هست، تکان بفرمایید!» و او بلافاصله لگدی به شاخه می‌زد و می‌گفت: «ممنونم، میل بفرمایید!»

دوستم دکتر محمود فیلسوفی در شرح حال سهراب می‌نویسد: «سهراب به اندازه یک کودک غذا می‌خورد، ولی همان‌طور که در نوشته و نقش و نگارش ظرافت کامل را مراعات می‌کرد، غذاخوردنش هم تماشا داشت. کم و آرام غذا می‌خورد، درست نقطه مقابل من که به اقتضای شغل و کمی فرصت، عادت به سریع خوردن داشتم. بعد از غذا تازه می‌نشستم و شطرنج بازی تغذیه سهراب را تماشا می‌کردم. من اصلاً گرفتار پیش دور و پس دور غذا نبودم ولی به حرمت سهراب، گاه زجر و سکون و آرامش تغذیه را مراعات می‌کردم ولی با این آرامش و سکون امان از وقتی که فعالیت جسمانی‌اش شروع می‌شد.

چون کبکی از کوهسار گلستانه بالا می‌رفت و واقعاً تعجب می‌کردم که موجودی با این میزان فعالیت، می‌باید مصرف سوختش چندین برابر عادی باشد که نبود. ساعت‌ها می‌توانستیم در دامنه کوه راه برویم و ذره‌ای خستگی و نفس‌زدن را در او احساس نمی‌کردم. «سهراب در سلامتی محض بود. شاید تعجب کنید بگویم در مدت سه سال توقف کاشان و آن همه فعالیت و جنب و جوش تقاضای یک قرص آسپرین از من نکرد.»

باهوش و بازیگوش!

در سراسر عمر کوتاهش، از هوشی سرشار- موهبت خدادادی- بهره‌مند بود. اما بازیگوشی را از دوران کودکی و زندگی در آن باغ اجدادی به همراه داشت. هرچه در دبستان آرام و متین و کم‌سخن بود، در عوض در خانه متحرک و بازیگوش بود. خودش در شرح حال خود می‌نویسد:

ادامه دارد



درباره دکتر عباس حرّی، آن‌طور که من می‌شناسم



• دکتر علی محسنی

پژوهشگر و استاد زبان آموز



دکتر عباس حرّی، استادی دانشمند با ۹۵ سال سن و بسیار سختکوش است. پژوهشگری با ۷۰ سال سابقه زبان آموزی و تربیت حدود ۲ میلیون زبان آموز که در سال ۱۳۴۰ مؤسسه ملی زبان را بنیان نهاد. و اکنون بسیار خوشحالم که خداوند به من توفیق عنایت فرمود تا بتوانم در زمان حیات استاد، شمه‌ای از خدمات و زحمات فراموش نشدنی و طاقت‌فرسای ایشان را در زبان آموزی جوانان کشور به نگارش درآورم.

در سال ۱۳۳۰ شهرستان قم منحصرأ دارای یک دبیرستان کامل ۶ کلاس به نام دبیرستان حکیم نظامی بود که در زمان خدمت وزیر فرهنگ وقت، شادروان علی اصغر حکمت، در سال ۱۳۱۷ به بهره‌برداری رسید.

این دبیرستان در دهه هفتاد، جزو ۸ دبیرستان ماندگار کشور به ثبت رسید.

در کلاس چهارم دبیرستان بودم که آقای عباس حرّی (در آن موقع هنوز دکتر نشده بود) به عنوان دبیر زبان انگلیسی به قم و دبیرستان ما وارد شد.

در اینجا باید بگویم که این دبیرستان از زمان افتتاح تادسه ۳۰ قریب ۲۰ سال دارای بهترین و با سوادترین دبیران کشور بوده است و علت آن چند موضوع بوده است. اول اینکه معمولاً اختیار انتخاب محل خدمت برای شاگرد اول‌های دانشکده‌ها و دانشسراها بعد از تهران به عهده آنها بوده و آنها معمولاً قم را انتخاب می‌کردند. دوم انتخاب شهر قم برای خدمت بیشتر به خاطر نزدیکی تهران و امکانات وسائل رفت و آمد در تمام ساعات شبانه روز. دلیل سوم گروهی از این استادان نیز وجود حوزه علمیه و استفاده از محضر علمای اعلام و آیات عظام بوده است.

در سالهای تحصیل اول و دوم و سوم دبیرستان، دبیران زبان انگلیسی برای دانش‌آموزان شایستگی چندانی برای این کار نداشتند و به ناچار انجام وظیفه می‌کردند.

سال ۱۳۳۰ بود که آقای عباس حرّی وارد قم و وارد کلاس ما شد. از همان جلسه اول تشخیص دادم که آقای حرّی، زبان آموزنده واقعی و کاملاً مسلط به زبان انگلیسی است و به تدریس و یاد دادن زبان به دانش‌آموزان تسلط وافق و کافی را دارند. باید متذکر شد که ممکن است فردی زبان انگلیسی یا هر علمی را خوب بداند ولی همان علم را نتواند تدریس و به شاگردان تفهیم کند، اما آقای حرّی، هم به زبان انگلیسی کاملاً مسلط و هم قدرت تدریس و تفهیم به دانش‌آموزان را به بهترین وجه داشت و این مطلبی است که تمام شاگردان، آن را قبول دارند.

به جرأت می‌توانم بگویم که قبولی من در کنکور دانشکده پزشکی، تسلط و آشنایی کامل و دقیقی بود که به زبان انگلیسی داشتم که مدیون و مرهون آقای حرّی هستم.

در آن زمان، در دهه ۳۰، برای امتحان کنکور ۴ درس فیزیک، شیمی، طبیعی و زبان مورد نیاز بود. آقای حرّی، هر هفته از تهران به قم می‌آمدند و ۲ روز حدود ۱۰ ساعت تدریس داشتند و بقیه هفته را در تهران جهت ادامه تحصیل خود برای احراز درجه دکترا صرف می‌کردند.

با ۳ سال خدمت استاد و تدریس زبان در دبیرستان حکیم نظامی (سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳) خدمت استاد در قم پایان یافت و به تهران منتقل شدند. من هم تحصیلم در دبیرستان حکیم نظامی پایان یافت و موفق به دریافت دیپلم ششم طبیعی آن زمان (در سال ۱۳۳۷) شدم.

پس از انتقال به تهران، استاد تدریس را در

دبیرستانهای تهران ادامه داد. و در این موقع بورس تحصیلی شورای فرهنگی بریتانیا و تحصیل در دانشگاه «MIDDEL SEX» را آغاز و پس از ۲ سال به تهران بازگشتند و در دانشگاه تربیت معلم (تربیت دبیر زبان انگلیسی برای دبیرستان‌ها) به خدمت خود ادامه دادند. ایشان در این مقطع، دکترای زبان انگلیسی و دکترای ادبیات فارسی را احراز کرده بودند.

پس از ده سال خدمت دبیری و تدریس در قم و تهران، ضمن خدمت، به تأسیس موسسه‌ای نامی و شکوهمند به نام «موسسه ملی زبان» همت گماشتند.

این موسسه در سال ۱۳۴۰ سال تأسیس نهال کوچکی بود و چنان به رشد و شکوفایی رسید که مورد استقبال کلیه جوانان زبان آموز قرار گرفت و شعباتی کم‌کم در چهار گوشه تهران و بعضی شهرستان‌ها دایر نمود و اینک پس از ۵۷ سال که از شروع کار آن می‌گذرد، نزدیک به دو میلیون زبان آموز در این موسسه به فراگیری زبان مشغول‌اند.

خوب به خاطر دارم که در موقع نام نویسی، زبان آموزان چنان ازدحام و جمعیتی در حاشیه چهار راه پهلوی آن روز (ولی عصر فعلی) می‌شد که ترافیک اتومبیل‌ها دچار اختلال و کندی می‌شد.

روش تدریس صحیح، انتخاب معلمان کار آزموده و دلسوز، اخلاق خوش استاد با همکاران و زبان آموزان، و تألیف کتاب‌های درسی توسط شخص دکتر عباس حرّی، چنان مورد توجه زبان آموزان قرار گرفت که آوازه و نام موسسه ملی زبان در همه جا پیچید. از ویژگی‌های این موسسه بر سایر موسسات زبان در تهران، کتاب‌های تدریسی متعلق به خود موسسه و از ابتکارات و تألیفات خود دکتر حرّی بود که چنین چیزی در دیگر موسسات زبان نبود.

زبان آموزان این موسسه، اکثراً بعد از تحصیلات دانشگاهی دارای شخصیت‌های برجسته‌ای شدند که بیشتر آنها دارای مصادر امور مملکتی در سطوح بالا گردیدند و گروهی نیز در کشورهای خارج شاخص و مایه افتخار ایران شدند.

سال ۱۳۳۳ که پایان تحصیلات دبیرستانی من بود تا سال ۱۳۶۸ (حدود ۳۵ سال) بین من و استاد جدایی افتاد. او به کار خود مشغول و من حدود ۱۰ سال دنبال تحصیل پزشکی و تخصص در رشته پزشکی و بقیه مدت را مشغول خدمت در شهرستان‌ها و مسافرت‌های خارج بودم تا این که پس از این مدت در سال ۱۳۶۸ در تهران مستقر شدم و دوباره استاد دکتر عباس حرّی را در موسسه ملی زبان یافتیم و

دوره دوستی جدید و ارتباط من با استاد مجدداً پس از ۳۵ سال برقرار شد.

در این دوره از دوستی و ارتباط، دکتر حرّی در سن ۶۶ سالگی و من ۵۳ ساله بودم.

در سال ۱۳۶۸ که من اقدام به پایه‌گذاری انجمن دانش‌آموختگان دبیرستان حکیم نظامی، برای تجلیل از مقام والای معلم کردم، استاد را به این جلسه دعوت و از این سال به بعد ایشان همه ساله در این همایش شرکت و ما را در ارائه برنامه‌ها و تنظیم آن یاری و در مسائل مادی و هزینه‌های جشن یاری می‌دادند.

اینجانب که بنیانگذار و برگزار کننده این همایش‌های سالانه بودم، در تمام جلسات و همه اوقات با مشورت و همفکری با دکتر حرّی به تشکیل جلسات اقدام می‌کردم و استاد با عشق و علاقه و طیب خاطر وقت خود را صرف کمک و راهنمایی من می‌کردند.

این جلسات، با دعوت از دبیران گذشته از سال ۱۳۱۷ شروع گردید و اکنون سایر دبیران ادوار گذشته تا به امروز همچنان شاگردان دبیرستان حکیم نظامی از شروع کار دبیرستان (سال ۱۳۱۷) تا به امروز، در آن شرکت می‌کنند.

به عنوان قدردانی و سپاس از زحمات و خدمات آنها به یک یا چند نفر از دبیران لوح سپاس و قدردانی داده می‌شود و چنانچه در گذشته باشند، از آنها تقدیر شده و لوح سپاس به خانواده آنها داده می‌شود.

در این همایش، سخنرانی‌های علمی و ادبی توسط استادان و دانش‌آموختگان انجام می‌شود. ذکر خاطرات تحصیلی توسط دبیران و دانش‌آموختگان و انجام برنامه موسیقی ایرانی، از دیگر برنامه‌های این محفل است.

بسیست و هفتمین همایش سالانه دبیر شدن در سال جاری در ماه آذر در همان دبیرستان در قم تشکیل شد که بیش از ۵۰۰ نفر استاد و دانش‌آموخته در آن شرکت کردند.

در چهاردهمین اجلاس سالانه آقای دکتر حرّی دستور دادند که بنا به درخواست من برای یک سال عنوان همایش، تجلیل از شاگردان باشد و کلیه هزینه جشن توسط ایشان پرداخت شد و ورودیه از افراد دریافت نگردید.

در این همایش دکتر عباس حرّی ۱۵ نفر از شاگردان قدیمی خود را به دریافت لوح سپاس مفتخر نمودند.

ناگفته نماند ایشان هم اکنون به علت کهولت سن و خستگی مفرط پس از ۷۰ سال کار مداوم

آموزشی، اکثر شعبات موسسه را تعطیل و تنها به اداره یک واحد از مجموعه واحدهای خود ادامه کار می‌دهند.

در سال ۱۳۹۰ پنجاهمین سال موسسه ملی زبان در هتل استقلال با شرکت گروه زیادی از دانش‌آموختگان و استادان و دیگر بزرگان تشکیل گردید و در آنجا کتاب جامعی با چاپ نفیس و رنگی و عکس‌ها و تصاویر از دوران کودکی و تحصیل استاد حرّی در کرمان تا مراحل مختلف در تهران و دانشگاه لندن، به یک یک حاضران اهدا شد.

این کتاب در نوع خود بی‌نظیر و بسیار زیبا و جالب توجه است.

در خاتمه، به ذکر خلاصه‌ای از شرح زندگی استاد دکتر عباسی حرّی بسنده می‌کنم:

- سال ۱۳۰۲ تولد در کرمان

- سال ۱۳۱۹ اخذ گواهی نامه زبان انگلیسی از دبیرستان C.M.S کرمان. این دبیرستان زیر نظر یک mission مذهبی انگلیسی اداره می‌شد و در همین سال به علت وقوع جنگ جهانی دوم و تمایل دولت وقت ایران به تعامل با دولت آلمان بسته شد.

- سال ۱۳۲۱ فارغ‌التحصیل از دانشسرای مقدماتی کرمان و اشتغال به تدریس در مدارس استان

- سال ۱۳۲۹ فارغ‌التحصیل از دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی دانشگاه تهران

- سال ۱۳۲۹-۱۳۳۱ دوره دکترای ادبیات فارسی

- سال ۱۳۳۰-۱۳۳۳ دبیری در دبیرستان حکیم نظامی قم

- سال ۱۳۳۴-۱۳۳۷ دبیر دبیرستان‌های تهران

- سال ۱۳۳۷ برنده بورس تحصیلی شورای فرهنگی بریتانیا و تحصیل در دانشگاه لندن

- سال ۱۳۳۹ اشتغال در دانشگاه تربیت معلم تهران (تربیت دبیر زبان انگلیسی برای دبیرستان‌ها)

- سال ۱۳۴۰ تأسیس موسسه ملی زبان

- سال ۱۳۵۷-۱۳۵۹ مطالعه و تحقیق در آمریکا Texan, new york

- سال ۱۳۸۲ احراز درجه phd از دانشگاه لندن در تحصیل

- سال ۱۳۸۷ - ۱۳۸۳ تألیف یک دوره کتاب در

۵ جلد برای زبان آموزان خردسال و تألیف دوره دیگر در ۱۱ جلد برای مراحل مقدماتی و میانه موسسه ملی زبان و تألیف دوره language در ۶ جلد. جلد ۱ و ۲ و ۳ برای دوره راهنمایی و جلد ۴ و ۵ و ۶ برای دوره دبیرستان، این دوره به عنوان طرح تکمیلی آموزش زبان در راهنمایی و دبیرستان نامیده می‌شود.

- سال ۱۳۹۰ برگزاری جشن باشکوه، پنجاهمین سال خدماتی موسسه ملی زبان در هتل استقلال با شرکت حدود ۳۰۰ نفر از بزرگان، دانش‌آموختگان استاد و زبان آموزان موسسه و اهدا کتاب نفیس بیوگرافی استاد.

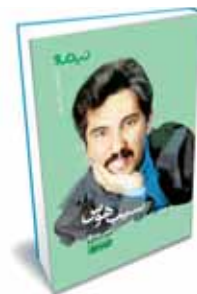
در خاتمه، به یک اقدام مفید و ارزنده دیگر استاد دکتر عباس حرّی اشاره می‌کنم که چون حضرت استاد، مقام همکاران خود را همیشه ارج می‌نهند، در ۱۷ اسفند سال جاری، بزرگداشت باشکوهی برای همکار قدیمی خود در موسسه ملی زبان آقای دکتر بیاناتی در هتل اسپیناس تهران برگزار می‌کند که نشان از قدرشناسی و توجه به همکار قدیمی خود دارد.

در پایان، این شاگرد قدیمی استاد، از خداوند بزرگ سلامتی و طول عمر و سعادت و موفقیت بیشتر برای وجود نازنین دکتر عباس حرّی (در سن ۹۵ سالگی) آرزو مند.

باشاعران امروز

تاریخ بی حضور تو یعنی دروغ محض

«امید صباغ نو» از شاعران جوان ساکن تهران است که سالهاست غزل می نویسد. از جمله کتاب های او می توان نام برد از: «مهرابان»، «سیب هوس»، «می میرم اگر روی دلم پا بگذاری»، «تاریخ بی حضور تو یعنی دروغ محض»، «خودزنی» و... در ادامه چند شعر از او را می خوانیم:



(۱)

به جای این که در شب های من خورشید بگذارد
فقط مرزی میان باور و تردید بگذارد
اگرچه چشم هایم کور شد مثل صدف، اما
به جای قطره های اشک مروارید بگذارد
همیشه باد در سر دارم و همزاد مجنونم
به جای باد در «فرهنگ عاشق» بید بگذارد
همین که عشق من شد سکه یک پول این مردم
مرا بر سفره های هفت سین عید بگذارد
خیالی نیست! دیگر دردهایم را نمی گویم
به روی دردهای کهنه ام تشدید بگذارد
ببخشید! برای این که بخشش از بزرگان است
خطاهای مرا پای خطای دید بگذارد
گرفته ناامیدی کلّ دنیای مرا، ای کاش
شما آن را به نام کوچکم «امید» بگذارید...
(۲)

درد عشقی کشیده ام که... فقط هر که باشد دچار می فهمد
مرد، معنای غصه را! وقتی باخت پای قمار می فهمد
بودی و رفتی و دلش را از سکوت نشد که کشف کنم
شرح تنهایی مرا امروز مادری داغدار می فهمد
دودمانم به باد رفت، اما هیچکس جز خودم مقصر نیست
مثل یک ایستگاه متروکم، حسرتم را قطار می فهمد
خواستی با تمام بدبختی، روی دست زمانه باد کنم
درد بی خانمانی دمداد را مُرده بی مزار می فهمد
هر قدم دورتر شدی از من، ده قدم دور تر شدم از او
علّت شک سجده هایم را «مهر رکت شمار» می فهمد
قبل رفتن نخواستی حتی یک دقیقه رفیق من باشی
ارزش یک دقیقه را تنها مجرم پای دار می فهمد...
شهر، بعد از تو در نگاه من با جهنم برابری می کرد
غربت آخرین قرارم را آدم بی قرار می فهمد
انتظار من از تو توان تو بیشتر بود، چون که قلمم گفت:
بس کن آخر! مگر کسی که نیست چیزی از انتظار می فهمد؟
(۳)

آمدی تا دقیقه هایت را، ساده-اما دقیق- بفروشی
دست های نمک نداشت را پای طای طریق بفروشی
هر کجا را قدم زدی دیدی، برگ مردم پُر از غم و درد است
با خودت فکر کردی و گفتی: می توانی که تیغ بفروشی
با خودت فکر کردی و گفتی: بهترین کار «دو به هم زدن» است
کوچه ها را پُر از نفاق کنی، دو سه تا منجنیق بفروشی
می توانی دروغ پشت دروغ، قصّه و شایعه درست کنی
شعله بر جان مردم اندازی «رخت ضدّ حریق» بفروشی
گرچه انگشت طلا مُد نیست، روزگار طلای بعضی هاست
می توانی که حلقه ی نقره با نگین عقیق بفروشی
کاش این سفره های نان بیات، به تریج قیّات بر بخورد
جای این بشکه های نفت سیاه، چند چاه عمیق بفروشی
با خودت فکر کن؛ اگر این شعر باب میل جنابعالی نیست
دستمال کتان گران نشده، می توانی رفیق بفروشی!

نگاهی کوتاه به نوگرایی در نوحه سرایی های اخیر

نفس تازه نوحه سرایی

دارد (چون مخاطب سابقه رویارویی با چنین اثر و معاییر تازه اش را ندارد، با آن دچار چالش می گردد و طبعاً با تأخیر به معنایش دست می یابد) تعهد و التزام به هر فرامتنی، اثر هنری و ادبی را خواه ناخواه به صراحت وامی دارد چرا که می کوشد وجه معناشناختی را در برابر وجه زیباشناختی اثر برجسته سازد.

د هنر و ادبیات دینی طبعاً مخاطب گراتر از دیگر



شاخه ها و نخله های هنری و ادبی ست. این نوع هنر و ادبیات علاوه بر بخشیدن لذت هنری و ادبی به مخاطب و حتی بیش از آن، تلاش دارد او را به دین و ارزش های دینی قریاخواند و با تحت تأثیر قرار دادن او، علاوه بر ارضای ذوق، عقل و دل او را نیز تسخیر کند و به دین و دین مداری مایل گرداند.

همین امر زمینه را برای صراحت فراهم می آورد. توجه خاص به تمام اقشار مخاطبان به خصوص مخاطبان عام و تقنینی هنرو ادبیات، این زمینه را مناسب تر هم می کند. مخاطبانی که چه بسا لذت شان از هنر و ادبیات لذتی متکی بر عادات آشنای هنری و ادبی است و چالش با اثر هنری و ادبی را نه توان دارند و نه حوصله.

نوحه سرایی و نوحه خوانی در مراسم مذهبی و در هیئات و تکایا شاخه ای از ادبیات دینی است. نوحه یک بسته هنری است که بیش از هر چیز نگارنده را به یاد آهنگ و ترانه می اندازد. در یک بسته هنری این مجموع اجزاء اند که ایجاد تأثیر و لذت می کنند و نه تک اجزاء به تنهایی. چه بسا توانایی بعضی از اجزاء، کم و کاستی اجزاء دیگر را پوشش دهد و جبران نماید.

در بسته ای به عنوان "نوحه" متن نوشتاری نوحه، ملودی، صدا و حتی شگردهای اجرای نوحه خوان و

یکی لذت حاصل از شگفتی رویارویی با اثری بدیع و بی یا کم سابقه است. اثری که چه بسا پیوند با سنت را حفظ کرده و در عین حال از آن فراروی کرده است. این لذت، لذتی عادت گریزانه است و اساساً حاصل گریز از عادت هاست.

دیگری لذتی که حاصل رویارویی با اثری آشناست. اثری که مخاطب را به گذشته و حتی به امری در گذشته و چه بسا در گذشته پیوند می زند و همین اتصال به گذشته یک یادآوری لذت بخش است. این لذت ذاتاً حاصل عادت است. لذتی عادی!

لذت اول بیشتر در ذائقه ی مخاطبان جدی و حرفه ای هنر و ادبیات و دومی بیشتر در ذائقه ی مخاطبان تفننی و آماتور حس می شود. ناگفته پیداست که مخاطبان نوع دوم خواه ناخواه، خودآگاه یا ناخودآگاه نوستیزند و با نوآوری میانه ی خوبی ندارند. این مخاطبان سنت دوست و سنت گرا محسوب می شوند.

بر همین اساس می توان هنرمندان و ادبا را هم به دو بخش نوگرا و سنت گرا تقسیم نمود.

ج) اثر هنری و ادبی ذاتاً از صراحت گریزان است زیرا چنان چه ذکر شد اثر هنری اصیل طبعاً بدیع است و امر بدیع زمینه ی مناسب تری برای صراحت گریزی



● حمیدرضا شکارسری

موقعیت اجرای نوحه توانم موقعیت یا عدم موقعیت اثر را تعیین می کنند.

و) نوآوری در هر یک از ارکان نوحه می تواند مخاطبان سنتی خواه را ناراضی و بلکه شاکلی کند. می تواند تأثیر کار بر روی گروه وسیعی از مخاطبان عام را کاهش دهد. می تواند در ذهنیت مخاطبان توهّم رکاکت و سخافت و حتی طنز و اهانت را ایجاد کند.

تماشای موضوعات دینی از منظر نوحه و تجربه نشده، انتخاب قالب نو و خروج از دایره واژگانی آشنا و پرسامد پیشین، ریسک بزرگی در راه نوآوری در نوحه سرایی است که چه بسا در مرحله گذار از امر سنتی به نو به دافعه مخاطبان عام و شکست نوحه سرا و نوحه خوان بیانجامد.

«شنوندگان / شنوندگان / به گزارش همکارم از عربستان توجه فرمایید / بسم الله اینجا مدینه / صدای ما را از بقیع می شنوید / کارگران مشغول کارند / کار احداث حرم مرحله پایانی ست / مانده فقط / مهدی زهرا برسد / پرده ز گنبد بکشد / صحن حسن باز شود»

(محسن عراقی)

سروده هایی از این دست، هم با دایره کلماتی نو و بی سابقه، هم با خروج از قالب سنتی و بانوسانی بین وزن و بی وزنی، هم با لوکیشن ها و مضامینی نو و هم با تماشایی تازه، ناگهان مخاطب را میخکوب می کنند و او را به فضا و نگاهی تازه فرامی خوانند. این نوآوری اما لزوماً به مذاق سنت طلبان و محافظه کاران این عرصه خوش نمی آید. ناگفته پیداست که عبور از سنت و نیل به امر نو تلفات دارد و ریزش هایی را باعث می شود، اما هنر را این عبور و این از این شدن گریزی نیست.

سروده هایی که مخاطب آگاه را به یاد سنت مقتل خوانی می اندازد که تنها و تنها با تکیه بر خلوص دل مخاطب تکیه داشت، نه بر وزن و قافیه و صدا و لحن سوزناک مقتل خوان. لحن گزارشی این سروده ها زمینه را معاصر سازی آنها فراهم می سازد. به عبارت دیگر فضای مضامین این شعرها با عبوری هزار ساله به نمایش عاشورا و کربلا و تبعات آن در روزگار ما می رسد:

«شیا به یاد گنبد / پناه می برم به تسبیح ترتبت / استخاره می کنم / میام حرم یا نه / میام حرم یا نه / میام حرم یا نه / ناگهان / تسبیح پاره شد / آسمون پر از ستاره شد / هیچ کسی نمی دونه / تو این شب طولانی / میام حرم یا نه / میام حرم یا نه ...» (محسن عراقی)

روا نیست تلاش برای نوسازی و نو سرایی نوحه های مذهبی را به توهّم وهن و سخافت و تحقیر مفاهیم مذهبی مورد حمله و حتی شتمات قرار دهیم. بگذاریم بداعت ادبی در آثار دینی هم جرات بروز پیدا کند و به این طریق فضاهای تازه تری تجربه شود. فضاهایی که می تواند مبهطی برای ظهور اندیشه های دینی نو تر و به روز تر باشد.

یادش به خیر

سیدرسول پیره

در صدايت دم کرده نعنای پنهان کرده بودی
در دهانت شعری از فروغ
و در قلبت کبوتری که مدام به پنجره می کوبید
من همه را پیدا کردم
یادش به خیر آن سال
باران مانده در ابرها
چترهای مانده در انبار را فروخت
یادش به خیر آن سال
دست هایم محصول بهتری داشتم
من داشتم
شاخه ای را که از بهار بیرون مانده بود
به درخت برمی گرداندم

این جسم حریری

حسین جنت مکان



شعر گلشن

مانده ام تا وسط معرکه گیری چه کنم؟
نشود پاره اگر بند اسیری چه کنم؟
عاشقی خواسته ام بود ولی حیرانم
پذیری چه کنم یا نپذیری چه کنم!
تن تو شعله ی عشق است که گر می گیرد
پس بگو با تنم این جسم حریری چه کنم
تو زلیخایی و آخر تو جوان خواهی شد
من بیچاره ولی با غم پیری چه کنم؟
کاسه های چه کنم را تو به دستم دادی
بی تو با درد نداری و فقیری چه کنم؟



شعر نو



سخنرانی دکتر علیرضا فولادی، استاد دانشگاه، شاعر و پژوهشگر

گونه‌شناسی طنزهای عبیدزاکانی



ژانر «نامه‌نگاری» با شگرد طنزآمیز نقیضه

از جمله ژانرهای دیگری که در ضمن طنزهای منثور عبید می‌گنجد، ژانر «نامه‌نگاری» است که عبید به این ژانر هم با شگرد طنزآمیز نقیضه عنایت کرده است. نامه قلندرانیه است که نامه از یک قلندر به قلندر دیگری است که درونمایه آن به نظر می‌رسد که تعریض باشد به اصطلاحات قلندران در زمان خودش. قلندران گروهی بودند اهل فتوت و جوانمردی و دارای گرایش‌های عرفانی که می‌توان مثبت تلقی کرد و گروه‌هایی که قابل توجه هستند، تقلبی هم وارد این گروه می‌شود.

همچنین «مقامه»، یکی دیگر از ژانرهای منثور عبید است که در «ریش‌نامه» او دیده می‌شود. در ریش‌نامه عبید زاکانی اشاره‌ای به سعدی می‌شود و نشان می‌دهد که او در نوشتن مقامه کوتاه خود به گلستان سعدی عنایت داشته است. چراکه اساساً سعدی هم در گلستان تحت تأثیر مقام‌نویسی است. البته قابل ذکر است که «ریش‌نامه» بیشتر هزل است، تا اینکه آموزندگی و تعلیم داشته باشد.

اوج طنزهای منثور عبید، کتاب «اخلاق‌الاشراف» اوست. این کتاب از لحاظ ساختار، یک نوع کتاب اخلاق است که خودش یک ژانر است، ولی باز هم عبید به صورت نقیضه‌سازانه وارد ژانر کتاب اخلاق شده است. عبید در مقدمه گفته می‌آید که اخلاق امروزیان را ملاحظه کردم و متوجه شدم ملاحظه‌ای بین اخلاق قدما وجود دارد. عبید در این اثر اخلاق را تحت دو قسمت با عنوان «مذهب قدما» و «مذهب مختار» که مذهب امروزیان باشد می‌آورد و طنزآفرینی عبید در قسمت «مذهب مختار» اتفاق افتاده است. «اخلاق‌الاشراف» هفت باب (حکمت، شجاعت، عفت، عدالت و سخاوت، حلم و وفا، حیا و صدق، رحمت و شفقت) دارد، که نام هر باب آن، دقیقاً اسم یکی از باب‌های کتاب‌های اخلاق گذشته است.

شگرد عبید در طنزهای شجاعت، عدالت و اخلاق

عبید در باب شجاعت نکته‌هایی می‌گوید و شگرد خاصی برای طنزسازی در این اثر به کار برده و علاوه بر نقیضه، دلیل عکس است. در این کتاب اخلاق با نظم وارد نشده، اما حکایت وارد شده است؛ یعنی عبید به تبع موضوعات، گاهی حکایتی انتخاب می‌کند و داخل بحث اخلاقی قرار می‌دهد. در باب عدالت نیز به نکته‌هایی اشاره می‌کند. همچنین ضد عدالت صحبت می‌کند، اما نمی‌خواهد بگوید که عدالت بد است نگاه برعکس دارد و درونمایه هم گاه سیاسی شده است و به فرمانروایان زمان خود اشاره می‌کند که عدالت را می‌خواهند به زور و ستم وارد کنند.

انتقاد عبید از باورهای خرافی مردم

در میان طنزهای منثور عبید، ژانر دیگری هم وجود دارد که متأسفانه در کلیات او نیست و آن هم ژانر «فال‌نامه» است. فالنامه

بخش دوم

طیور و فالنامه وحوش که ظاهراً در نسخ خطی نبوده است. یک محقق آمریکایی به آن اشاره کرده است. فال‌نامه یک ژانر نثر است که فال‌های مختلف را در آن می‌آورند. عبید در فال‌نامه هم همین بحث نقیضه‌سازی از فال‌ها را دارد و به نوعی باورهای خرافی مردم را توسط فال‌نامه‌ها مورد انتقاد قرار می‌دهد. بخش دوم طنزهای عبید، طنزهای منظم اوست که مشهورترین طنزهای عبید، منظومه «موش و گربه» است، اما فرقی با منظومه‌های قبلی این است که آن منظومه‌ها در قالب مثنوی هستند، ولی منظومه «موش و گربه» عبید در قالب قصیده سروده شده و یک قصیده روایی بلند است که نوع روایت آن هم از نوع این است که جانوران در آن نقش دارند که پیش از عبید در کلیله و دمنه جانوران نقش داشتند و تفاوت با بیشتر کارهای دیگرش دارد.

در این روایت، موش و گربه نقش ایفا می‌کنند. البته پیش از عبید در «کلیله و دمنه» هم موش و گربه در داستان اخلاقی نقش ایفا کرده‌اند، اما عبید این را با مایه طنز عرضه می‌کند. در واقع طبق نظر تحلیل‌گران، گربه امیر مبارزالدین و رئیس موش‌ها، شاه شیخ ابواسحاق اینجوی است. به هر حال جنبه سیاسی این منظومه قوی است. تفاوت ویژه‌ای که «موش و گربه» با دیگر آثار عبید دارد، این است که در اینجا عبید سیاسی شده است.

گربه برای جذب موش‌ها ادعای توبه و خداشناسی و زهد می‌کند و موش‌ها جذب گربه می‌شوند و نماینده‌ای نزد گربه می‌فرستند و بعد از فریب آن‌ها جنگ بین موش‌ها و گربه‌ها در می‌گیرد و سرانجام گربه‌ها پیروز می‌شوند که در تاریخ هم به همین گونه اتفاق افتاده است. امیر مبارزالدین فارس و اصفهان را که تحت فرمانروایی شاه شیخ ابواسحاق اینجوی است به تسلط خود در می‌آورد و این مساله در دیوان حافظ هم قابل ردیابی است.

موش و گربه، یادآور قضیه صادق هدایت

در «موش و گربه» علاوه بر حکایت طنزآمیز که موش و گربه در آن نقش ایفا می‌کنند، یک نوع نقیضه‌سازی زبانی ملاحظه می‌شود؛ مثلاً الف‌های اطلاق، نقیضه‌ای از شعرهای شاعرانی است که این نوع الف‌ها را به کار می‌برند. عبید این الف‌ها را به صورت افراطی به کار برده و همین افراطی به کار بردن او حالت نقیضه‌سازی و طنز پیدا کرده است که جمع آن انتقاد از شعرها هم محسوب می‌شود و قافیه‌هایی که حروف الحاقی دارد و بیشتر ابیات آن این ایراد را دارد و معلوم است که تاملی در آن داشته است. صادق هدایت نوشته‌هایی دارد با نام قضیه که برای انتقاد از شاعران کهنه‌گرا شعر می‌گوید ولی به شکل تعمدی شعر غلط می‌گوید و وزن و قافیه را به هم می‌زند و با سیاق قدما این کار را انجام می‌دهد و کار عبید در موش و گربه یادآور قضیه صادق هدایت است.

«موش و گربه» معروف‌ترین اثر طنز منظوم عبید است. او علاوه بر موش و گربه در قالب‌های منظوم دیگر هم طنز دارد به‌ویژه در دو قالب قطعه و رباعی، تعداد بیشتری طنز سروده است که متأسفانه تابوشکنانه است. رباعیات عبید هم به همین شکل است. دو مثنوی کوتاه هم دارد که قابل خواندن نیست و ترجیع‌بند بلندی دارد که آن هم به همین شکل است. آخرین قالبی که در میان طنزهای منظوم می‌توان به آن اشاره کرد، قالب قصیده است. در دیوان عبید، قصایدش همه جدی‌اند و در لطایفش چیزی تحت عنوان قصیده وجود ندارد. ولی در قطعاتش یک شعر وجود دارد که ساختار قطعه ندارد و به قصیده کوتاه شبیه است که به اندازه غزل است.



از فرمایشات ما!



بیل غیر هردمبیل!

خیلی‌ها همچنین خیال می‌کنند که خلایقیت شاخ و دم دارد. در حالی که اصلاً این چنین نیست. خلایقیت ممکن است گاهی به شکل ساختن یک سوزن برقی ظهور و بروز پیدا کند و گاهی با ساختن هوا کردن یک موشک. مهم نفس خلایقیت است که قشنگ است و نه شکل و شمایل آن. ونیز اینکه تا چقدر آن چیز خلق شده بتواند در خدمت بانک رفاه و آسایش خلق قرار گیرد؛ ولو فقط آسایش یک گیتی‌اش باشد (حالا آسایش دو گیتی مورد نظر امثال شیخ حافظ پیشکش!).

بیت کمکی:

تا توانی به جهان خدمت محرومان کن
به دمی یا درمی یا قدمی یا قلمی

به هر حال، هر کسی که یک چیزی خلق می‌کند، سر آن چیز زحمت می‌کشد. خلق الساعه که نیست. گاهی طرف خودش را جر می‌دهد تا بتواند خلایقیت به خرج دهد. حالا می‌خواهد به خرج شما برود، می‌خواهد نرود. به درک اشخاص بستگی دارد. نوع و سطح خلایقیت است که علی‌الظاهر با هم متفاوت است. مثلاً بنده فرهنگی مدعی نویسندگی ممکن است با همین قلم خود مرتکب یک خلایقیتی بشوم و یک نفر آدم صنعتی آشنا با مسائل زراعت، بردارد مثلاً در

راستای یک بیل کشاورزی دست به خلایقیت بزند. عرض کردیم که مهم اصل قضیه است. حالا می‌خواهد در ارتباط با قلم اتفاق بیفتد یا در رابطه با بیل یا از این قبیل. مهم این است که خلایقیتش سازنده باشد و یک چیزی بسازد که به ساختنش بیرزد. خدا رحمت کند مرحوم «یغمای خشتمال» را که در همین راستا خوش می‌فرمود.

بیت سازنده:

گاه بیلیم در کف و گاهی قلم، یعنی که من
با قلم یا بیل، ای خاک وطن می‌سازمت
در همین ارتباط اخیراً یک جوان دانشجوی مبتکر، دست به ساختن یک «بیل مکانیکی» زده که نام آن را هم دستگاه بیل آسان بر نهاده؛ اگرچه ظاهراً دنبال نام نیست. به گفته سازنده این دستگاه، بیل آسان بر در حقیقت همان بیل دستی خودمان است که با تغییرات مکانیکی به وجود آمده در حد فاصل بین بیل تا دسته، کارآمدی آن بالا رفته است. استفاده صحیح از این بیل علاوه بر کاهش انرژی مصرفی کشاورز، باعث تسریع در کار هم می‌شود. و این یعنی جلو افتادن سازندگی کشور.

شعر خبیلی نو:

دوباره می‌سازمت وطن
اگرچه با بیل مکانیکی خویش....
اجزای سازنده این دستگاه مکانیکی را، بیل، دسته بیل و بخش اتصال مکانیکی با اهرم‌ها و چراغ نصب شده بر روی دسته بیل تشکیل می‌دهد. ممکن است که به علت پیچیدگی سیستم سازنده این دستگاه هم اکنون این پرسش در ذهن کنج‌کاو شما شکل گرفته باشد که چراغ نصب شده بر روی دسته بیل مورد نظر در عمل چه نقشی بازی می‌کند؟ عرض شود که سوال مهمی را مطرح نمودید. چراغ نصب شده بر روی دسته بیل، کاربر را قادر می‌سازد تا در طول شب نیز بتواند با روش‌شنایی مناسب به کار خود ادامه دهد. این روزها خیلی‌ها شبکارند.

بیت تمثیلی:

چو بیل‌ی با چراغ آید
رود کارائی‌اش بالا
قابل توجه علاقه‌مندان: قیمت تمام شده این بیل - اگرچه امید خدا به تولید مثل انبوه برسد - حدود ۱۲ هزار تومان برآورد شده است که از این مقدار، هزار تومانش به خاطر بیل و دسته آن می‌باشد. خدا و کیلی مفت است.

پیش‌بینی خلایق: امیدواریم بعد از بیل مذکور، نوبت به ساخت یک قاشق مکانیکی آسان بر برسد که حداقل در بالا آوردن لقمه (که منظور همان بالا بردن آن است) به انسان کمک کند. حالا پایین آوردنش با خود صاحب قاشق. بعضی لقمه‌ها واقعاً سنگین‌اند! (البته این فکر بکر از همان زمانی در ذهن خلاق بنده شکل گرفت که بزرگترها فیلسوفانه از من متعجب می‌پرسیدند: اون چیه که بالا میره بار داره، پایین میاد کار داره؟!... و من همیشه دلم به حال اون چیز می‌سوخت. قاشق را عرض می‌کنم.)

تبسم و تفکر



فرهاد رحیم قراملکی

* متولد ۱۳۵۹ - تبریز

* عضو انجمن کاریکاتورپست‌های تبریز

* عضو خانه کاریکاتور ایران

* عضو سازمان جهانی کاریکاتور (فکو)

* چاپ کاریکاتور در روزنامه مهد آزادی، ماهنامه طنز و کاریکاتور،

هفته‌نامه آذریام، سرخاب، و نشریات دانشجویی

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز دوشنبه ۱۴ اسفندماه ۱۳۵۷ (برابر با ۶ ربیع الثانی ۱۳۹۹ مارس ۵ ۱۹۷۹) نقل شده است

دستور امام خمینی در مورد مؤسسه اطلاعات

دیشب، پس از خاتمه مذاکراتی که حضرت آیت الله العظمی امام خمینی با حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری در مدرسه فیضیه قم داشتند، رسول صدرعاملی خبرنگار اعزامی اطلاعات با کسب اجازه از حجت الاسلام آقای حاج احمد خمینی به حضور امام رسید و گزارش گردش کار روزنامه اطلاعات را عرض کرد. امام فرمودند: «آن را که در کار انتشار روزنامه و هدفهای انقلاب اسلامی خلل وارد میسازند به روزنامه خود راه ندهید».

یک میلیون نفر بر مزار مصدق گرد آمدند
امروز، ایران پس از دوازده سال خون دل خوردن و خاموشی بخاطر عجز از برپایی مراسم تجلیل از شادروان دکتر محمد مصدق رهبر ملی خود، باشکوهی خیره کننده یاد آن بزرگ مرد تاریخ مبارزات ضد استعماری ملل شرق را گرامی داشت.

مراسم تجلیل از این ابر مرد چندان پرشکوه بود که بی شک پرتو پر جلالتش قرون متمادی بر صفحات تاریخ جدید ایران پرتو خیره کننده داشت.

در این لحظه ۱۲ ظهر که ما (خبرنگاران اطلاعات) در نیمه راه احمدآباد هستیم، سیل جمعیت چند صدهزار نفری - و حتی می توانیم بگوئیم میلیون نفری - به سوی احمدآباد سرازیر است.

۷۷ عاملین کشتار مردم تیرباران شدند
ساعت هجادماد امروز ۷ تن دیگر از عمال رژیم سابق به عنوان مفسدین فی الارض و با رأی دادگاه انقلاب اسلامی ایران تیرباران شدند.

۱- سرلشکر بازنشسته عبدالله

خواججه نوری فرزند حسین رئیس سابق دادگاه عادی و تجدیدنظر ارتش.

۲- سپهبد بازنشسته فخر مدرس فرزند سیدعلی محمد رئیس سابق دادرسی ارتش.

۳- سرتیپ بازنشسته علی اکبر یزدجردی فرزند محمد علی فرماندار سابق نظامی مشهد.

۴- سرلشکر بازنشسته احمد بیدآبادی فرزند عبدالعلی فرماندار سابق تبریز

۵- سرهنگ منصور زمانی فرزند حبیب الله رئیس زندان سیاسی قصر و مامور شکنجه زندانیان.

۶- سالار جاف فرزند داویدیک نماینده سابق مجلس شورایی.

۷- جهانگیر تاریخ معروف به جهانگیری شکنجه گر ساواک، در کمیته رسیدگی و شور پس از نه ساعت به پایان رسید و سرانجام به اتفاق آراء حکم اعدام ۷ نفر متهمین مذکور با تشخیص آنان به عنوان مفسدین فی الارض و شرکت در قتل و کشتار مردم بی گناه صادر و حکم اعدام درباره کلیه متهمین در ساعت ۵ صبح امروز دوشنبه ۱۴/۱۲/۵۷ اجرا شد.

امام: توهین به روزنامه ها جایز نیست

آیت الله العظمی امام خمینی روز گذشته در قم، اعلام کردند که مردم حق هیچگونه تعرضی به روزنامه ها ندارند.

به دنبال تظاهرات و اعتراض هایی که طی دو روز گذشته در شهر قم و چند شهر دیگر به عنوان انتقاد از روش مطبوعات به عمل آمد، و طی آن عده ای ناشناس از فروش روزنامه های آیندگان، اطلاعات و کیهان جلوگیری کردند و همچنین اشخاصی روزنامه ها را پاره کردند.

این خبر به عرض امام خمینی رسید و به دنبال آن کمیته تبلیغات قم اعلام کرد که امام راجع به مطبوعات، فقط روزنامه نگاران را نصیحت کرده اند تا در جهت پیشبرد انقلاب اسلامی قدم بردارند و هیچگاه توهین به روزنامه ها و پاره کردن آنها بوسیله



افراد را جایز نمی دانند. **جنازه ابوذر زمان را به ایران بازگردانید**
در این موقع که انقلاب اصیل ملت قهرمان ایران در آستانه تکامل است و در آینده، آرامگاه شهدای جاوید این انقلاب که با نثار خون خود، تاریخ کشور ما را تدوین کردند، زیارتگاه آزاد زنان و آزادمردان وطن خواهد شد، بسیار شایسته و بجا خواهد بود که جنازه ابوذر زمان، شادروان شهید، دکتر علی شریعتی که به صورت امانت در زینبیه شام «دمشق» به ودیعه گذاشته شده، به سرزمین انقلاب بازگردانده شود.

بدیهی است مراسمی که در خور چنین شخصیت مبارزی است، برپا خواهد شد و این «قلب تاریخ» در جوار تربت پاک شهدای انقلاب ایران، به دل خاک سپرده خواهد شد. احمد باقریان

فروش خوابار ممنوع است
تهران - رویترز: طالبان زندگی لوکس دریافته اند که انقلاب ایران حتی بر خوابار کشور که از نفت آن نیز مشهورتر است تاثیر گذارده است آنانکه برای خرید خوابار به فروشگاه های دولتی ایران مراجعه می کنند

نه تنها با مردان مسلح روبرو میشوند بلکه مسئولان فروشگاه می گویند فروش و مصرف غذاهای لوکس فعلا معلق شده است.

«مونت کارلو» شاه را می پذیرد
بن - خبرگزاری فرانسه - پرنس رینر سلطان مناکو ضمن مصاحبه ای با روزنامه «ولت آم سونتاگ» گفت: اگر شاه سابق مایل به اقامت در مناکو باشند حاضر است او را در این سرزمین بپذیرد.

یادآور می شویم که «مونت کارلو» مرکز مناکو به پایتخت قمار در جهان معروف است.

ایران روابط خود را با آفریقای جنوبی بکلی قطع کرد
بامداد دیروز ژنرال فریزر سرکنسول آفریقای جنوبی در تهران وزارت امور خارجه احضار شد و بنامبرده اطلاع داده شد چون دولت موقت انقلابی ایران سیاست تبعیض نژادی آفریقای جنوبی را مغایر اصول انسانی میدانند علاوه بر اینکه صدور نفت خود را باین کشور قطع کرده است در آینده نیز هیچگونه روابط سیاسی اقتصادی

و نظامی با آفریقای جنوبی نخواهد داشت. به تصمیم دولت ایران سرکنسول آفریقای جنوبی امروز خاک ایران را ترک میکند.

آماده باش دیشب پاسداران انقلاب

پاسداران انقلاب دیشب در سنگرهای خود به حالت آماده باش بودند.

این آماده باش بدان جهت بود که از قبل به آنها اطلاع داده شده بود که امکان دارد پاسداران از طرف عوامل مختلفی مورد حمله قرار گیرند.

اما دیشب هیچ برخوردی روی نداد و تنها در اطراف خیابان چرچیل صدای تیراندازی بگوش رسید که به کسی آسیبی وارد نیامد.

۲ پاسدار جوان کشته شدند

شمیران - دو پاسدار جوان که در خانه تیمسار امیری در «دارآباد» شاه آباد شمیران پاسداری میداند، بطرز مشکوکی بضرر گلوله کشته شدند. حادثه ظهر دیروز اتفاق افتاد. این دو مسعود مجبی کرد سلغا و محمود غیری نام داشتند و هر دو ۱۷ ساله بودند.

احمد بنی احمد دستگیر شد

احمد بنی احمد نماینده تبریز دستگیر شد. او روز شنبه موقعی که قصد داشت مهندس بازرگان نخست وزیر دولت انقلاب را ملاقات کند.

توسط پاسداران کمیته امام خمینی دستگیر شد. پاسداران کمیته، احمد بنی احمد را پس از دستگیری نزد یکی از بازپرس های مستقر در زندان قصر بردند تا به اتهام وی رسیدگی شود.

طوبله ۳ میلیون تومانی

زرگان فارس - تأسیسات عظیم باشگاه سلطنتی اسب در ۲۱ کیلومتری زرگان فارس به تصرف کمیته هماهنگی این شهر درآمد. این تأسیسات در زمینی بمساحت ۱۲۰ هکتار در دست ساختمان بود و ۳۰ میلیون ریال هزینه برداشته بود.

امروز در تاریخ

تعرض نافر جام به قلمرو ایران

ژولیان امپراتور روم که سوم نوامبر ۳۶۱ میلادی بر جای کُستانتین دوم نشسته بود در دومین سال زمامداری خود، با هدف فرار از مشکلات و ساکت کردن مخالفان داخلی و نیز با استفاده از فرصت دور بودن شاپور دوم - شاه ساسانی وقت از پایتخت با تصمیم به یک تعرض سریع به قلمرو ایران گرفت.

«ژولیان» پنجم مارس سال ۳۶۳ میلادی با ۸۰ تا ۹۰ هزار نظامی تعرض به قلمرو ایران را از آنتیوک (انتاکیه - جنوب غربی ترکیه) آغاز کرد. در جریان جنگ، یک سرباز ایرانی، زوبین به سوی ژولیان پرتاب کرد که بر پهلوی او نشست و چند ساعت بعد درگذشت.

در پی درگذشت ژولیان، ژنرالهای رومی ژوویانار به سمت امپراتور موقت انتخاب کردند که وی چون توان و استعداد جنگیدن در نیروهای رومی ندید با شاپور دوم صلح کرد و از پنج منطقه بزرگ در شرق مدیترانه و هرگونه ادعای روم در ارمنستان صرف نظر کرد.

دشمن سرسخت استعمار

دکتر محمد مصدق استاد دانشگاه، سیاستمدار، دولتمرد و ایراندوست نامدار، دشمن سرسخت استعمار ملل و سلطه گری، رهبر جنبش ملی کردن صنعت نفت ایران و رئیس دولت در سال های ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، و پنج ماه اول سال ۱۳۳۲ چهاردهم اسفند ۱۳۴۵ در بیمارستان نجمیه تهران درگذشت.

و دولت وقت اجازه برگزاری مراسم ترحیم او را نداد و جز یک اعلامیه چند سطری دولتی، مطبوعات از انتشار هرگونه خبر و مطلب دیگر در آن زمینه ممنوع شده بودند.

محاکمه طالقانی، بازرگان و سحابی

در این روز در سال ۱۳۴۲ و ۹ ماه پس از قیام خرداد ماه، محاکمه دسته ای از مخالفان شاه از جمله آیت الله سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و دکتر یدالله سحابی در محکمه تجدید نظر نظامی که ریاست آن را ژنرال عباس قره باغی (آخرین رئیس ستاد مشترک ارتش در نظام سلطنتی در سال ۱۳۵۷) برعهده داشت آغاز شد. پیش از آغاز محاکمه، حکومت نظامی در تهران و اصفهان تمدید شده بود تا تظاهراتی صورت نگیرد.

www.iraniandhistoryontheday.com

جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

۴۹۳۲	پ	فیل مهرجوی	بله آلمانی	مقیاس طول	مذکور
	سود درام	شعله	نام زنانه	از حروف اضافه	
			خوب		
	اشاره نزدیک			رقز	پهلوانان
	انگش				
		بی شک			
		کشور مسقط			
		وسيله خنک کننده			
		خودداری			
			خوراک سفر		
	شیشه		گ		
	انری از هومر				
	عامل ولایت				
	عائل				
		عقاید	گل و خاک		
		شمردنی			
	مسرور				
	دزی				
	سرایت کردن				
	پوشیده و نهفته				

حل

۴۹۳۱

۲۴۱۹

سودوکو

۵				۹	۷			
			۲		۳		۸	
۶	۸						۱	
				۹			۷	۴
				۳		۴		
۹	۲				۸			
		۳					۶	۷
		۷		۲		۴		
		۸	۴					۵

۵	۱	۹	۴	۲	۷	۶	۸	۳
۶	۸	۳	۵	۱	۹	۴	۲	۷
۴	۲	۷	۶	۸	۳	۵	۱	۹
۹	۵	۱	۷	۳	۴	۲	۶	۸
۲	۴	۶	۹	۵	۸	۷	۳	۱
۷	۳	۸	۱	۶	۲	۹	۵	۴
۸	۹	۵	۲	۷	۱	۳	۴	۶
۱	۶	۴	۳	۹	۵	۸	۷	۲
۳	۷	۲	۸	۴	۶	۱	۹	۵

حل ۲۴۱۸